

رساله دوم به تیموتائوس

The Second Epistle to Timothy

تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران

نوشته

ویلیام مک دونالد

این کتاب تفسیری به منظور درک مفاهیم موجود در کتاب مقدس به رشته تحریر در آمده است . در شیوه ی نگارش این کتاب سعی بر آن بوده است که از اصول صحیح فن تفسیر بهره جسته و ضمن وفادار بودن به اصول تفسیر همچنان متنی ساده و روان را ارائه نماید. بنابراین ، کتاب حاضر انتخاب شایسته ای خواهد بود برای مطالعات انفرادی و گروهی کتاب مقدس.

Believer's Bible Commentary

by

William MacDonald

This is a Bible commentary that makes the riches of God's Word clear and easy for you to understand. It is written in a warm, reverent, and devout and scholarly style. It is a good choice for your personal devotions and Bible study.

© 1995 by William MacDonald., *Believer's Bible Commentary*,
Thomas Nelson Publishers, Nashville, TN, pp. 2383.
— All Rights Reserved —

مقدمه

«رساله دوم به تیموتائوس... بیان احساس درونی پولس است، او که خارج از فلسطین تحت هدایت خدا، جماعت خدا را بر روی زمین بنیاد نهاد، و این رساله با آگاهی از قصور و دور شدن کلیسا از اصول اولیه‌ای که وی آن را بنیاد نهاده بود نگاشته شده است.»

- جی. ان داربی (J. N. Darby)

الف) جایگاه منحصر به فرد در میان کتب مقدس

معمولاً آخرین سخنان اشخاص مشهور برای کسانی که آنها را دوست دارند بسیار عزیز و به یادماندنی است. با وجود اینکه 2 تیموتائوس آخرین سخنان پولس محسوب نمی‌شود، اما این آخرین اثر اوست که برای مسیحیان شناخته شده است و در درجه اول برای نماینده جوان و محبوب او تیموتائوس نگاشته شده است.

پولس در حالی که در سیاه‌چال مرطوب نشسته بود، و زیر نور خفیفی که از سقف به درون می‌تابید، و در حالی که انتظار اعدام خود را می‌کشید

تنها در یک سیاه‌چال مرطوب، و زیر نور خفیفی که از سقف به درون می‌تابید، این رسول پر از روح، عاقل و خوش‌قلب که اکنون از این نبرد دشوار برای خدا خسته و پیر شده بود، برای آخرین بار به تیموتائوس می‌نویسد که آن حقیقت و حیاتی که آموخته است را محکم نگاه دارد.

دوم تیموتائوس نیز به مانند بسیاری از رسالات دوم به معلمان دروغین و مرتدان روزهای آخر می‌پردازد. هر کس می‌داند که اگر اصالت رساله دوم تیموتائوس مورد حمله قرار گرفته (و نیز حتی دوم پطرس) همه به این خاطر است که رهبران مذهبی شک‌اندیشی که فرضیه‌های منفی در این مورد ارایه می‌دهند خود محکوم هستند که مذهب را پوششی برای کارهای خود قرار داده‌اند، همان گناهی که پولس ما را از آن آگاه می‌سازد (3: 1-9) مهم نیست که دیگران چه می‌گویند، ما به دوم تیموتائوس بسیار نیاز داریم و این رساله بسیار اصیل است.

ب) نویسنده

در مورد نویسنده به مقدمه رسالات شبانی و مبحث نویسنده در اول تیموتائوس مراجعه نمائید.

ج) تاریخ نگارش

دوم تیموتائوس از زندان نوشته شده است (زندان قدیمی مامرتایم (Mamertieme) که هم اکنون جهانگردان از آن دیدار می‌کنند). از آنجا که پولس یک شهروند رومی بود نمی‌شد او را نزد شیرها بیندازند و یا معلولش کنند، اما تنها این امتیاز را داشت که برای اعدام گردن زده شود. پولس به هنگام سلطنت نرون که در 8 ژوئن 68 م مرد، به قتل رسید، پس احتمالاً دوم تیموتائوس بین پائیز 67 م الی بهار 68 م نگاشته شده است.

د) پس زمینه و موضوع

محتوای 2 تیموتائوس به خوبی در 2:15 بیان شده است: «سعی کن که خود را مقبول خدا سازی، عاملی که خجل نشود و کلام خدا را بخوبی انجام دهد» برخلاف اول تیموتائوس که رفتار گروهی و در میان جماعت مورد تأکید قرار می‌گیرد، در اینجا مفهوم بارز مسئولیت و رفتار فردی محسوب می‌شود. این مفهوم را می‌توان اینچنین بیان کرد: «مسئولیت فردی به هنگام ضعف جماعت».

در این رساله در کلیساهای معترف ضعف بیشتری شاهد هستیم. بسیاری از ایمان و حقیقت بازگشته بودند. این موضوع چگونه بر شخص ایماندار تأثیر می‌گذارد. آیا او از توسل جستن به حقیقت و یک زندگی مقدس معاف شده است؟ پاسخ 2 تیموتائوس یک «خیر» قاطعانه است! «سعی کن که خود را مقبول خدا سازی» وضعیت دانیال جوان در دربار بابل گویای این مطلب است (دان).

به خاطر شرارت آشکار اسرائیلیان، او و بسیاری دیگر توسط نبوکدنصر به بابل به اسارت برده شدند. آنها از تمام اشکال ظاهری مناسک و مراسم یهود منع شدند - قربانی، کهنات، خدمت، پرستش در هیکل و غیره. در واقع هنگامی که چند سال بعد اورشلیم ویران گردید و تمام ملت به اسارت برده شدند تمام این مراسم به حالت تعلیق درآمد. آیا دانیال با دیدن این اوضاع به خود گفت، «من نیز باید شریعت و انبیا را فراموش کنم و با معیارهای و ملاکهای بابل سازش کنم؟» تاریخ پاسخ روشن و درخشان او را در زندگی فوق‌العاده او در شرایط بسیار دشوار ثبت می‌کند.

از این رو، پیغام 2 تیموتائوس با قلب آندسته از ایماندارانی سخن می‌گوید جماعت کلیسای آنها از سادگی و تقدس عهد جدید بسیار دور شده است. او هنوز در برابر «زندگی دیندارانه در مسیح عیسی» مسئول است (2 تیمو 12:3).

طرح کلی رساله دوم تیموتائوس

1. سلامهای آغازین به تیموتائوس (1: 1-5)
2. توصیه‌هایی به تیموتائوس (1: 6-13)
 - الف) توصیه به وفاداری (1: 6-18)
 - ب) توصیه به پایداری (2: 1-13)
3. وفاداری در برابر ارتداد (2: 14-4: 8)
 - الف) وفاداری به مسیحیت حقیقی (2: 14-26)
 - ب) ارتداد آینده (3: 1-13)
 - پ) مرد خدا در برابر ارتداد (3: 14-4: 8)
4. تقاضاها و سخنان شخصی (4: 9-22)

تفسیر

1. سلامهای آغازین به تیموتائوس (1:1-5)

1:1 پولس در ابتدای رساله، خود را رسول مسیح عیسی معرفی می‌کند. خداوند پرجلال او را به خدمتی خاص گماشته بود. این خدمت را نه انسان، بلکه مستقیماً توسط اراده خدا به او سپرده شده بود. همچنین پولس رسالت خود را برحسب وعده حیاتی که در مسیح عیسی است می‌داند. خدا وعده‌ای داده است که برطبق آن تمام کسانی که به عیسی مسیح ایمان بیاورند حیات جاودانی خواهند یافت. دعوت پولس به رسالت در راستای این وعده بود. در حقیقت اگر وعده‌ای نبود، دیگر نیازی به رسولی همچون پولس نبود.

همان گونه که واین (Vine) به درستی گفته است: «برطبق نقشه الهی حیات که از ازل در مسیح عیسی بود، باید به ما عطا شود. برطبق همین وعده بود که پولس باید به رسالت برگزیده می‌شد.»

وی. پل فلینت (V. Paul Flint) پنج اشاره‌ای که در این رساله شده است را تشریح می‌کند، همچون 1:1، وعده حیات؛ 10:1، نمایش زندگی 11:2، مشارکت زندگی؛ 12:3، الگوی زندگی؛ و 1:4 هدف زندگی.

2:1 تیموتائوس در اینجا فرزند حبیب خوانده شده است. نمی‌توان به طور مسلم ثابت کرد که آیا تیموتائوس توسط خدمت پولس ایمان آورده است یا خیر. اولین ملاقات ثبت شده آنان در اعمال 1:16 یافت می‌شود، جاییکه شرح می‌دهد پیش از اینکه پولس به لستره بیاید تیموتائوس یک شاگرد بود. به هر حال، پولس رسول به او همچون فرزند حبیب در ایمان مسیحی می‌نگرد.

به مانند اول تیموتائوس، در اینجا نیز تحیت پولس شامل فیض، رحمت و سلامتی است. در تفسیر 1 تیموتائوس خاطر نشان شد هنگامی که پولس برای کلیساها نامه می‌نوشت طبق معمول فیض و سلامتی برای آنها می‌طلبید. او هنگامی که برای تیموتائوس نامه می‌نویسد واژه رحمت را نیز می‌افزاید. در گای کینگ (Guy King) گفته است فیض برای هر خدمتی لازم است، رحمت برای هر شکست و ناکامی، و سلامتی برای هر شرایط. شخصی دیگر گفته است، «فیض برای اشخاص ناکارآمد، رحمت برای نیازمندان، سلامتی برای اشخاص بی‌قرار» هیبرت رحمت را چنین تعریف می‌کند، «محبت خودانگیخته نسبت به خدا که باعث می‌شود او با محبت و رأفت با اشخاص اندوهگین و افسرده رفتار نماید.»

این برکات از جانب خدای پدر و خداوند ما عیسی مسیح جاری می‌شوند. اینجا نیز یکی دیگر از مواردی است که پولس پسر را همچون پدر تکریم می‌دارد.

3:1 پولس بر طبق روش خود به شکرگزاری می‌پردازد. ما با خواندن این آیه به یاد می‌آوریم که او این نامه را از یک سیاه‌چال می‌نوشت. او به خاطر بشارت انجیل به زندان افکنده شده بود و اکنون با او همچون یک مجرم اجتماعی برخورد می‌شد. حکومت روم به شدت ایمان مسیحی را سرکوب می‌کرد و بسیاری از ایمانداران را تا آن هنگام کشته بود. پولس برخلاف تمام این شرایط دشوار، قادر است نامه خود به تیموتائوس را با این عبارت آغاز نماید، «شکر می‌کنم!»

پولس اکنون خدا را با ضمیر خالص خدمت می‌کند، آنگونه که اجدادش خدمت می‌کردند. گرچه نیاکان او مسیحی نبودند، لیکن آنها به خدای زنده ایمان داشتند. آنها او را پرستش نموده و در پی خدمت او برآمدند. همان گونه که پولس در اعمال 6:23 خاطر نشان می‌سازد آنها به «امید و قیامت مردگان» اعتقاد داشتند. به همین خاطر است که او می‌توانست در اعمال 6:26 و 7 بگوید: «والحال به سبب امید آن وعده‌ای که خدا به اجداد ما داد، بر من ادعا می‌کنند. و حال آنکه دوازده بسط ما شبانه‌روز بجدّ و جهد عبادت می‌کنند.»

پس پولس می‌توانست خدمت خود به خداوند را برطبق الگوی اجداد خود برشمرد. واژه‌ای که او برای خدمت کردن به کار می‌برد اشاره دارد به وفاداری. او خدای حقیقی را اعتراف می‌کرد.

سپس پولس می‌گوید که او دائماً در دعا‌های خود، شبانه روز تیموتائوس را یاد می‌کند. هرگاه که این رسول در دعا به حضور خداوند می‌رفت، محبوب خود، یعنی این خادم جوان را به یاد می‌آورد و نام او را در حضور تخت رحمت یاد می‌کرد. پولس می‌دانست که زمان خدمتش به سرعت رو به انتها بود. می‌دانست که تیموتائوس تنها خواهد ماند، به بیان ساده‌تر اینکه، در راه شهادت برای مسیح تنها می‌ماند. او از مشکلاتی که تیموتائوس با آن مواجه می‌شد اطلاع داشت، و از این رو دائماً برای این مبارز جوان در ایمان، دعا می‌کرد.

4:1 تیموتائوس با خواندن این عبارات چقدر تحت تأثیر قرار می‌گرفت! مول (Moule) می‌گوید پولس رسول برای دیدن او «لحظه‌شماری» می‌کرد. مسلماً این نشانی از محبت عمیق و احترام بود، و به طور واضح بیانگر محبت، رأفت و فروتنی پولس است.

احتمالاً برای آخرین باری که از هم جدا می‌شدند تیموتائوس نتوانست مانع از بروز احساسات خود شود. اشک‌های او تأثیر عمیقی بر همکار بزرگ او گذاشته بود.

هیبرت می‌گوید که احتمالاً این رویداد هنگامی رخ داده است که سربازان یا پلیس روم پولس را از تیموتائوس جدا کردند... پولس نمی‌توانست این موضوع را فراموش کند، و اکنون انتظار آن را می‌کشد که دوباره با تیموتائوس باشد تا اینکه از خوشی سیر شود. او تیموتائوس را برای آن اشکها تویخ نمی‌نماید، گرچه در مسیحیت جایی برای چنین احساساتی نیست. جاوت (J. H. Jowett) گفته است: «دل‌های خالی از اشک هیچگاه نمی‌توانند منادیان عشق شوند. هنگامی که حس همدردی از ما زوده می‌شود، دیگر نمی‌توانیم خادمان عشق باشیم.»

5:1 پولس ایمان بی‌ریای تیموتائوس را به یاد می‌آورد. ایمان او صادق و راست بود و نقابی بر چهره نداشت. اما تیموتائوس اولین کسی نبود که در خانواده‌اش نجات یافته بود. گویا، مادر بزرگ یهودی او لویس خبر خوش نجات را شنیده بود و عیسی خداوند را به عنوان مسیح پذیرفته بود و دختر او افینکی که او نیز یهودی بود (اعمال 1:16) که به مسیح ایمان آورده بود. بدین شکل تیموتائوس حقایق عظیم ایمان مسیحی را آموخت، و او نماینده نسل سوم در خانواده‌اش بود که به نجات‌دهنده ایمان آورده بود. در کتاب مقدس چیزی در مورد ایمان پدر تیموتائوس نوشته نشده است.

گرچه نجات از والدین ایماندار به ارث برده نمی‌شود، اما مسلماً این موضوع حقیقت دارد که در کتاب مقدس یک اصل خانوادگی وجود دارد. چنین به نظر می‌رسد که خدا دوست دارد تمام خانواده‌ها را نجات بخشد. اراده او این نیست که عضوی از نجات محروم شود.

توجه نمایید که در اینجا گفته شده ایمان در لویس و افنیکی ساکن می‌بود. ایمان همچون یک مهمان گذرا نبود، بلکه یک حضور دائمی در آنها، اما پولس یقین حاصل نموده بود که تیموتائوس نیز چنین است. علی‌رغم تمام مشکلاتی که بر سر راه تیموتائوس بود او به یک ایمان اصیل دست یافته بود.

2. توصیه‌هایی به تیموتائوس (6:1 – 13:2)

الف) توصیه به وفاداری (6:1 – 18)

6:1 تیموتائوس به خاطر پس‌زمینه خانوادگی و ایمانش ترغیب می‌شود تا آن عطای خدا را که در وی نهاده شده برافروزد. ما نمی‌دانیم این عطای خدا چه بوده است. برخی می‌گویند که روح القدس بوده است. دیگران چنین برداشت کرده‌اند که این یک توانایی خاص است که خداوند برای اشکالی از خدمت مسیحی به وی عطا کرده بود، به عنوان مثال عطای بشارت، شبانی و یا تعلیم. او نباید از ضعف عمومی که در اطراف خود می‌دید نا امید می‌شد. و نیز نباید خدمت خداوند را تبدیل به یک حرفه نماید و یک برنامه روزمره را دنبال نماید. بلکه، باید تمام دغدغه فکری او این باشد با وخیم‌تر شدن اوضاع هرچه بیشتر از عطای خود استفاده نماید.

این عطا با گذاشتن دستهای پولس رسول بر تیموتائوس در وی نهاده شده بود. البته نباید این موضوع را با انتصاب افراد به خدمت که اکنون در جوامع روحانی رایج شده است یکی دانست. بلکه این آیه می‌گوید دقیقاً در همان زمانی که پولس بر تیموتائوس دست نهاد این عطا بر وی نازل شد. پولس رسول مجرای برای انتقال این عطا بود.

سوالی که بی‌درنگ بر ذهن شخص خطور می‌کند این است که «آیا این مسئله امروز هم رخ می‌دهد؟» پاسخ این است: خیر. قدرت اعطای یک عطا توسط گذاشتن دستها بر شخص به پولس که رسول عیسی مسیح بود عطا شده بود. از آنجاییکه اکنون به آن معنا رسول نداریم اکنون نیز دیگر قدرتی برای به ظهور رساندن معجزات مختص رسولان نخواهیم داشت.

این آیه باید در چارچوب 1 تیموتائوس 18:1 و 14:4 مورد مطالعه قرار گیرد. با قرار دادن این سه آیه در کنار یکدیگر همان گونه که «واین» گفته است می‌فهمیم که ترتیب وقایع چنین است. در یک جلسه خاص شخصی برخاسته و در این زمینه نبوت کرده است و پولس هم هدایت شده و به سمت تیموتائوس رفته است. خداوند با یک عمل رسمی از سوی پولس آن عطا را در تیموتائوس نهاد. مشایخ آنچه که خداوند انجام داد را با گذاشتن دستها به رسمیت شناختند. این عمل اخیر به منزله یک انتصاب رسمی نبود که یک عطای خاص یا مقام کلیسایی را اعطا نماید. و یا اینکه همان گونه که استاک (Stock) به اختصار بیان می‌کند، این عطا «از طریق» دستان پولس جاری شد، اما «با» دستان مشایخ.

7:1 پولس که خود را با شهادت مواجه می‌دید، این فرصت را غنیمت می‌شمارد تا به تیموتائوس یادآوری نماید که خدا روح جبن و ترس را به ما عطا نکرده است. زمانی برای ترس و بزدلی باقی نمانده.

بلکه خدا روح قوت را به ما عطا نموده است. قوت بی حد و حصری در اختیار ما قرار گرفته است. ایماندار با قدرت روح القدس می تواند با شهامت خدمت نموده، با شکیبایی تمام استوار بماند، پیروزمندانه رنج بکشد، و اگر نیاز باشد فداکارانه جان خود را نهد.

همچنین خدا روح محبت به ما عطا کرده است. این محبت خدا است که ترسهای ما را ریخته و ما را مشتاق می سازد که خود را به مسیح بسپاریم، به هر بهای ممکن.

این محبت نسبت همنوعان ما است که باعث می شود تا ما مشتاقانه هرگونه جفا را متحمل شده و با مهربانی بهای آن را بپردازیم.

سرانجام اینکه خدا روح تأدیب، یا انضباط به ما داده است. تأدیب کاملاً حق مطلب را بجا نمی آورد. شاید به نظر برسد که مقصود این است که یک مسیحی باید در تمام مواقع عاقل باشد، عاری از هر بیماری روانی و یا پس زمینه عصبی. معمولاً این تعلیم اشتباه در مورد این آیه رایج بوده که مسیحی بی که زندگی نزدیکی با خداوند دارد هیچگاه دچار بیماری یا مرض روانی نمی شود. این یک تعلیم روحانی نیست. بسیاری از بیماری روانی ریشه در عیب های وراثتی دارند. بسیاری دیگر می توانند پیامد وضعیت جسمی باشند که هیچ ارتباطی با زندگی روحانی شخص ندارند.

مقصود این آیه این است که خدا به ما یک روح خویشتن داری یا تسلط بر خود داده است. ما باید قوه تشخیص را به کار گیریم، نه اینکه شتاب زده، عجولانه و بدون فکر کاری را انجام دهیم. مهم نیست که شرایط ما چقدر دشوار است، ما باید قضاوتی متعادل داشته و با ذکاوت عمل نماییم (البته مشکلات ذکر شده در مورد این آیه بیشتر ناشی از ترجمه انگلیسی کتاب مقدس است که در آنجا واژه تأدیب را sound mind (ذهن سالم، تفکر درست) ترجمه کرده است. اما ترجمه فارسی تقریباً حق مطلب را ادا می کند. مترجم)

8:1 پولس به تیموتائوس می گوید که عار نداشته باشد. پولس در آیه 12 می گوید که خود نیز عار ندارد و سرانجام اینکه در آیه 16 می خوانیم انیسفورس نیز عار نداشت.

در آن زمان موعظه انجیل جرم محسوب می شد. آنانیکه علنی در پی خداوند و نجات دهنده بودند مورد جفا واقع می شدند. اما این موضوع نباید تیموتائوس را نگران کند. او نباید از انجیل عار داشته باشد، حتی اگر زحمت در پی آن باشد. و نیز نباید از اینکه پولس رسول در زندان است عار داشته باشد. اگرچه برخی از مسیحیان در آن زمان به او پشت کرده بودند. تردیدی نیست که آنها می ترسیدند مبادا ارتباط با او منجر به جفا رساندن بر آنان و یا حتی مرگ آنها شود.

تیموتائوس ترغیب می شود که در زحماتی که در پس انجیل است شریک شود و برحسب قوت خدا آنان را متحمل شود. او نباید از بدنامی که این موضوع به همراه دارد اجتناب ورزد، بلکه در تحمل این بدنامی با پولس شریک شود.

9:1 پولس تیموتائوس را ترغیب نمود که غیور (آیات 6، 7) و شجاع (آیه 8) باشد. اکنون پولس شرح می دهد که چرا قبول چنین دیدگاهی عاقلانه است: دلیل آن هم در معامله عالی خدا با ما یافت می شود. پیش از هر

چیز او ما را نجات داد. یعنی اینکه او ما را از مجازات گناه رهایی بخشید. او دائماً ما را از قدرت گناه می‌رهاند، و در روز واپسین ما را از حضور نزدیک گناه خواهد رهانید. همچنین اما ما را از دنیا و شیطان خواهد رهانید. علاوه بر این، خدا ما را به دعوت مقدس خوانده است. او نه تنها ما را از شریر رهایی بخشیده، بلکه او تمام برکات روحانی‌یی که در جایهای آسمانی در مسیح عیسی است بر ما جاری ساخته است. دعوت مقدس مسیحی در افسیایان 1-3 به اختصار توصیف شده است، مخصوصاً در باب 1. در آنجا می‌خوانیم که ما از پیش تعیین شده‌ایم، پسر خوانده شده‌ایم، در محبت پذیرفته شده‌ایم، توسط خون او نجات یافته، بخشیده شد، به روح القدس تأیید شده و بیعانه میراث خود را یافته‌ایم. (علاوه بر این دعوت مقدس، یک دعوت بلند (تعالی) داریم، فی 14:3، و یک دعوت آسمانی، عبرا 1:3)

این نجات و دعوت به حسب اعمال ما نیست. به بیانی دیگر، بر حسب فیض خدا به ما عطا شده است. یعنی اینکه ما شایسته آن نبودیم، بلکه حق ما دقیقاً نقطه مقابل آن است. ما آن را خود کسب نکردیم، و نه آن را جستجو نمودیم. بلکه خدا آنها را رایگان به ما عطا کرده است بدون هیچ بها و شرطی.

این موضوع با عبارت «بر حسب اراده خود و آن فیض»، شرح داده شده است. چرا خدا اینقدر گناهکاران را دوست داشت که خواست پسر یگانه خود را در راه آنها فدا نماید؟ چرا باید او چنین بهایی بپردازد که همگی آنها را از جهنم رهانیده و به آسمان رهسپار سازد، تا اینکه تا به ابد در کنار او باشند؟ پاسخ این سئوالات می‌تواند این باشد: «بر حسب اراده خود و آن فیض» علت این عمل در ما قرار ندارد. بلکه، علت در قلب پر از محبت او یافت می‌شود. او ما را محبت نمود زیرا ما را دوست داشت!

لطف او قبل از قدیم الایام در مسیح عیسی به ما عطا شد. مقصود این است که خدا از ازل نقشه عالی نجات را برای ما در نظر داشت. او تصمیم گرفت حیات ابدی را به تمام کسانی که عیسی مسیح را به عنوان خداوند و نجات دهنده خود می‌پذیرند عطا کند. روش نجات ما نه تنها پیش از تولد ما، بلکه از قدیم الایام طرح‌ریزی شده بود.

10:1 همان انجیلی که از ازل طرح‌ریزی شد، در طول زمان بر ما آشکار گردید. این انجیل با ظهور نجات‌دهنده ما عیسی مسیح آشکار گردید. او در طول روزهایی که در جسم بود، خبر خوش نجات را در میان مردم اعلان نمود. او به انسانها چنین گفت که او باید بمیرد، دفن شود، و از مردگان برخیزد تا خدا گناهکاران را نجات بخشد.

او موت را نیست ساخت. اما این چطور ممکن است در حالی که هنوز در جهان مرگ وجود دارد؟ مقصود این است که او مرگ را باطل نمود. پیش از قیام مسیح، مرگ همچون حاکمی ظالم بر انسانها تسلط داشت. او یک دشمن مهیبی بود، ترس از مرگ انسانها را در اسارت نگاه داشت. اما قیام خداوند عیسی ضمانتی برای تمام کسانی که به او توکل می‌کنند است که روزی از مردگان برخوانند خواست و دیگر نخواهند مرد. او بدین شکل مرگ را باطل نمود. او نیش مرگ را بی‌اثر ساخت. اکنون مرگ پیام‌آور خداست که جان ایماندار را به آسمان می‌برد. اکنون مرگ بیشتر خادم ما است تا دشمن.

خداوند عیسی نه تنها مرگ را باطل نمود، بلکه بی‌فسادی را روشن گردانید بوسیلهٔ انجیل. در دورهٔ عهد عتیق، مردم غالباً عقیدهٔ تار و مبهمی از زندگی پس از مرگ داشتند. آنها بر این باور بودند روح در گذشتگان به شئول (sheol) می‌رود، که در حقیقت اشاره دارد به وضعیت نامریی روح در گذشتگان. گرچه یک امید آسمانی در مقابل آنها قرار داشت، با اینحال قسمت اعظم این موضوع برای آنها مبهم بود.

از زمان ظهور مسیح این موضوع بر ما روشن‌تر شده است. به عنوان مثال ما می‌دانیم که روح ایماندار به هنگام مرگ نزد مسیح می‌رود. او در جسم غایب است اما در خانهٔ آسمانی نزد خداوند است. او به حیات ابدی قدم می‌گذارد.

مسیح نه تنها حیات را روشن گردانید، بلکه بی‌فسادی را نیز. مقصود از بی‌فسادی قیامت بدن است. هنگامی که در اقرنتیان 15:53 می‌خوانیم «این فاسد بی‌فسادی را بپوشد» می‌دانیم که حتی اگرچه جسم در قبر جای می‌گیرد و به خاک بازمی‌گردد، اما با بازگشت مسیح همان بدن از قبر برخاسته و به بدن جلال‌یافته تبدیل می‌شود، بدنی شبیه به بدن خداوند عیسی. مقدسین عهد عتیق از این موضوع آگاه نبودند. چرا که این موضوع با ظهور نجات‌دهنده ما عیسی مسیح بر ما آشکار گردید.

11:1 به خاطر اعلان انجیل پر جلال بود که پولس واعظ و رسول و معلم امت‌ها مقرر شد. واعظ یک منادی‌یی است که وظیفهٔ او اعلان پیغام در میان مردم است. یک رسول شخصی است که از طرف خدا فرستاده شده، تجهیز شده و بدو قدرت داده شده است. وظیفهٔ معلم تعلیم دادن به دیگران است؛ او حقیقت را به شکلی قابل فهم شرح می‌دهد به طوریکه دیگران می‌توانند با ایمان اطاعت نسبت به آن واکنش نشان دهند. واژهٔ امت‌ها تأکید بر خدمت خاص او در میان امت‌های غیر یهودی دارد.

12:1 پولس به خاطر انجام وفادارانهٔ وظایف خود متحمل زندان و تنهایی شده بود. او از اعلان حقیقت خدا اکراه نداشت. ترس از جان مانع از گشودن لب‌های او نشده بود. اکنون او دستگیر شده و به زندان افکنده شده بود، اما با اینحال به هیچ وجه پشیمان نبود. او شرمگین نبود و تیموتائوس هم نباید شرمگین باشد. گرچه پولس در مورد سلامت شخصی خود مطمئن نبود. با اینحال کاملاً اطمینان داشت که به چه کسی ایمان آورده است. گرچه دولت روم می‌توانست این رسول را بکشد اما دست آنها به خداوند نمی‌رسید. پولس می‌دانست بر کسی که توکل نموده که قادر است. قادر به انجام چه کاری؟ قادر است که امانت مرا تا به آن روز حفظ کند. مفسران در مورد گفته پولس در اینجا به دو دسته تقسیم شده‌اند. برخی بر این باورند مقصود از امانت نجات جان اوست. دیگران آن را اشاره‌ای به انجیل می‌دانند. به بیان دیگر، گرچه ممکن بود پولس با مرگ مواجه شود، با اینحال نباید انجیل نادیده انگاشته شود. هرچه بیشتر با او مخالفت شود، موفقیت بیشتری کسب خواهد کرد. شاید بهتر آن باشد که معنای وسیع‌تر این واژه را مدنظر قرار دهیم. پولس یقین حاصل نموده بود که بهترین سرنوشت در انتظار اوست. اگرچه با مرگ روبرو شود لیکن چیزی را از دست نخواهد داد. عیسی مسیح خداوند قادر او بود، و در کنار او شکست و ناکامی معنایی نداشت. جای هیچ نگرانی‌یی نبود. نجات پولس حتمی و خدمت او به مسیح بر روی زمین بسیار موفق بود.

«آن روز» عبارت مورد علاقه پولس است. این اشاره‌ایست به آمدن خداوند عیسی مسیح، و به طور خاص به تخت داوری مسیح اشاره دارد، هنگامی که خدماتی که به او شده است مورد بازنگری قرار گرفته و هنگامی که خدا به وفاداری انسانها پاداش می‌دهد.

13:1 از این آیه می‌توان به دو شکل برداشت کرد. اول اینکه، تیموتائوس ترغیب می‌شود تا از سخنان صحیح نمونه بگیرد. مسأله تنها بر سر این نیست که او نسبت به حقیقت خدا وفادار باشد، بلکه او باید به هر شکل سخنی که بتواند حقیقت را انتقال دهد توسل جوید. شاید مثالی از این موضوع مفید واقع شود. در روزگار ما، گاهی گفته می‌شود که ما نباید عبارات و اصطلاحات قدیمی‌یی همچون «از سر نو مولود شدن»، و یا «خون مسیح» را به کار گیریم. مردم بیشتر مایل هستند با زبان پیچیده‌تری با آنها صحبت کرده شود. اما در اینجا خطری وجود دارد. ترک کردن فحوای کلام کتاب مقدسی باعث می‌شود که آنها حقایق اولیه‌ای را که با این عبارات منتقل می‌شوند نادیده انگارند. بنابراین تیموتائوس باید همان نمونه صحیح سخنان را نگاه دارد.

اما این آیه می‌تواند به این معنا نیز باشد که سخنان پولس باید برای تیموتائوس الگو و نمونه باشد. پس هر آنچه تیموتائوس می‌گوید باید هماهنگ و در راستای طرحی باشد که پولس به او ارایه داده است. تیموتائوس در خدمت خود باید در ایمان و محبتی در مسیح عیسی است از این الگو پیروی نماید. ایمان نه تنها به معنای توکل باید به معنای وابستگی نیز است. محبت نه تنها محبت به خدا را شامل می‌شود، بلکه محبت نسبت به ایمانداران و دنیای فانی اطراف ما را نیز دربرمی‌گیرد.

14:1 مقصود از آن امانت نیکو انجیل است. پیغام محبت نجات‌بخش به تیموتائوس سپرده شده بود. پولس به او نمی‌گوید که بر آن بیافزاید و یا آن را کامل نماید. بلکه مسئولیت او این است که توسط روح القدس که در وی ساکن است از آن محافظت نماید. هنگامی که پولس این نامه را می‌نوشت، او از رویگردانی وسیع مردم از ایمانشان که کلیسا را به خطر انداخته بود آگاهی داشت. پولس به تیموتائوس هشدار داده بود که نسبت به کلام خدا وفادار بماند. او نباید این کار را به قوت خویش انجام می‌داد. سکونت روح القدس در وی هر آنچه را که او برای انجام این کار نیاز داشت، به او می‌داد.

15:1 پولس رسول با اندیشیدن به ابرهای تاریکی که فضای کلیسا را دربرگرفته بود، به یاد می‌آورد که چگونه مسیحیان آسیا از او رخ تافته‌اند. از آنجایی که احتمالاً به هنگام نگارش این رساله تیموتائوس در افسس بود، او دقیقاً مقصود پولس از این سخن را می‌دانست.

بعید نبود که مسیحیان آسیا هنگامی که دریافتند پولس دستگیر و به زندان افکنده شده است ارتباط خود را با او قطع کرده بودند. هنگامی که او بیشتر از هر وقت دیگر در نیاز بود او را ترک کردند. احتمالاً می‌توسیدند که جان آنها به خطر بیفتد. حکومت روم در تعقیب کسانی بود که ایمان مسیحی را ترویج می‌دادند. پولس رسول یکی از معروف‌ترین نمایندگان مسیحیت بود. هر کسی که به طور علنی با وی در تماس بود، به ناگاه چهره‌اش بر دیگران فاش می‌شد.

در اینجا نه صریحاً و نه تلویحاً بیان شده که این مسیحیان کلیسا و یا خداوند را ترک نموده‌اند. با اینحال ترک کردن پولس در این شرایط خود حاکی از ترس و بی‌وفایی آنها بود.

گویا فیجلس و هرموجنس نقش هدایت‌کننده‌ای در جدایی دیگران از پولس داشتند. به هر حال، آنها به خاطر اینکه در پذیرفتن عار مسیح با پولس شریک نشده و او را ترک کردند، ننگ و رسوایی برای خود به بار آوردند. «گای کینگ» اظهار می‌دارد: «آنها نمی‌توانستند نام کریمه خود را پنهان نمایند، اما می‌توانستند ماهیت زشت خود را از نظرها مخفی نگاه دارند»

16:1 در مورد انیسیفورس دو مکتب فکری وجود دارد. برخی بر این باورند که او پولس را ترک کرده بود، و به همین خاطر است که پولس دعا می‌کند خداوند بر او ترحم کند. برداشت دیگران این بوده که او از افرادی که در بالا ذکر شد، مستثنی بوده است. ما بر این باوریم که دیدگاه اخیر درست است.

پولس از خداوند می‌خواهد که به اهل خانه انیسیفورس ترحم عطا کن. بر طبق متی 7:5 رحمت پاداش کسانی است که بخشنده بوده‌اند. در اینجا دقیقاً نمی‌خوانیم که چه چیز دل پولس را تازه کرده است. شاید هنگامی که پولس در آن سیاه‌چال تاریک و مرطوب بوده است او برایش غذا، پوشاک آورده بود. به هر حال او عار نداشت که به دیدن پولس در زندان برود. اندیشیدن به جان و سلامتی خود نمی‌توانست مانع از کمک او به دوستش شود.

«جاوت» به طرز بی‌نظیری این موضوع را بیان کرده است «در شخصیت انیسیفورس ویژگی زیبایی به چشم می‌خورد که پولس آن را بیان می‌کند، از زنجیر عار نداشت غالباً زنجیر انسان از حلقه دوستان او می‌کاهد. زنجیر فقر بسیاری را دور نگاه می‌دارد، و نیز زنجیر مردم ناپسندی. هنگامی که شخصی در اوج شهرت است دوستان بسیاری دارد، هنگامی که به بند زنجیر گرفتار می‌شود، دوستانش از او دور می‌شوند. اما خادمین نسیم صبحگاهی دوست دارند در سایه‌های شب بیایند. خوشی آنها این است که در قلمرو یأس خدمت نمایند، و جایکه زنجیرها بر جان انسان سنگینی می‌کنند. «او از زنجیر من عار نداشت» این زنجیر حقیقتاً جاذبه داشتند. چرا که باعث شدند انیسیفورس در خدمت کردن تعجیل نماید.»

این آیه گاهی به اشتباه دعا برای مردگان تلقی شده است. استدلال این است که انیسیفورس به هنگام نوشتن این نامه در گذشته بود و پولس از خدا می‌خواهد بر او رحم نماید. هیچ اشاره‌ای به مرگ انیسیفورس نشده است. طرفداران این دیدگاه وراجان بیهوده‌گویی هستند به دنبال بهانه‌ای کوچک هستند تا یک تعلیم غیر کتاب مقدسی را ترویج دهند.

17:1 هنگامی که انیسیفورس به روم رسید، سه راه در مقابل داشت، می‌توانست با مسیحیان هیچ تماس نگیرد. دوم اینکه، می‌توانست در خفا با ایمانداران تماس حاصل نماید. سرانجام اینکه می‌توانست با شجاعت تمام خود را به خطر انداخته به ملاقات پولس برود. این مسأله او را در ارتباط مستقیم با مقامات رومی قرار می‌داد. اما او در کمال افتخار، راه آخر را برگزید. او به کوشش بسیار تفحص کرد و او را پیدا نمود.

18:1 پولس رسول دعا می‌کند که دوست وفادار او در روز واپسین در حضور خداوند رحمت یابد. رحمت در اینجا به مفهوم پاداش به کار رفته است. همان گونه که قبلاً هم گفتیم، آن روز، اشاره‌ایست به زمانی که پاداش در آسمان عطا می‌شود، به عبارتی در حضور تخت داوری مسیح.

پولس برای خاتمه دادن به این بخش به تیموتائوس یادآوری می‌کند که چگونه انیسیفورس پولس را در افسس خدمت نمود.

ب) توصیه به پایداری (2:1-13)

1:2 زورآور بودن در فیضی که در مسیح است یعنی با قوتی که فیض او فراهم می‌کند، دلیر باشیم، وفادارانه راه خداوند را ادامه دهیم، با توانایی فوق از تصور که تنها از اتحاد با او سرچشمه می‌گیرد.

2:2 تیموتائوس نه تنها باید خود را تقویت نماید، بلکه باید باعث تقویت روحانی دیگران نیز شود. او مسئول است تعالیم الهامی‌یی که از پولس رسول یافته، به دیگران انتقال دهد. به زودی پولس صحنه روزگار را ترک می‌کند. او باید وفادارانه تیموتائوس را در حضور شهود بسیار تعلیم می‌داد. دوره خدمت تیموتائوس هم به زودی به پایان می‌رسید، و او نیز باید برای خدمت خود به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که دیگران نیز برای تعلیم دادن آماده شوند.

البته این آیه مفهوم جانشینی رسالتی را دربر ندارد. و نه اشاره‌ایست به مراسم انتصاب خادم در روزگار ما. بلکه این فرمان خداوند به کلیسا است که جایگزینی برای معلمان با کفایت آماده سازد.

گفته شده است که در این آیه سه قشر ایماندار وجود دارد:

1. پولس رسول.

2. تیموتائوس و شهود بسیار.

3. مردمان امین.

4. دیگران.

این آیه بر اهمیت بشارت فردی ایمانداران تأکید دارد. اگر هر ایماندار حقیقتاً سهم خود را انجام دهد، دنیا طی یک نسل بشارت را خواهد شنید. با اینحال، با توجه به سست بودن اراده انسان و نیز رقابت ادیان و فرقه‌ها در تبشیر و موانع بسیار دیگر، چنین امری تنها در حد فرضیه است. به هر حال یک موضوع برای ما مسلم است: مسیحیان می‌توانستند کارنامه بهتری از خود برجای بگذارند!

توجه نمایید که تیموتائوس باید حقیقت را به مردمان امین بسپارد، یعنی اشخاصی که ایماندار و قابل اعتماد هستند. این افراد باید قادر باشند دیگران را نیز تعلیم دهند. این موضوع علاوه بر خدمت تعلیم مستلزم قابلیت‌های دیگری نیز است.

3:2 خاطرنشان شد که پولس در این باب مثالهای بسیاری را به کار می‌گیرد تا تیموتائوس را توصیف نماید:

1_ فرزند (آیه 1)؛ 2_ سپاهی (آیات 3 و 4)؛ 3_ پهلوان (آیه 5) 4_ برزگر (آیه 6)؛ 5_ عامل (عمله) (آیه 15)؛

6_ طرف (آیه 21)؛ 7_ بنده (آیه 24)

تیموتائوس به عنوان سپاهی نیکوی مسیح عیسی باید سختیها و زحمات را متحمل شود. (برای مطالعه فهرست

زحماتی که پولس خود متحمل شد مراجعه نمایید به 2 قرن 11: 23-29)

4:2 سپاهی بی که در این توصیف شده است کسی است که در انجام وظایف خود فعال است. نه تنها این، بلکه او در کانون نبرد قرار دارد. هیچ سربازی در چنین شرایط بحرانی خود را با امور روزگار گرفتار نمی‌سازد. آیا مقصود از این آیه این است که آندسته از کسانی که در خدمت خداوند هستند نباید شغل دنیوی داشته باشند؟ مسلماً مقصود این نیست! چرا که خود پولس ضمن اینکه انجیل را بشارت می‌داد و کلیسا تأسیس می‌کرد، به خیمه‌دوزی مشغول بود. او شهادت داد که با دستان خود امرار معاش می‌کرد.

تأکید بر روی واژه گرفتار می‌سازد، است. سرباز نباید اجازه دهد امور روزمره زندگی هدف اصلی زندگی او شود. به عنوان مثال، نباید تهیه خوراک و لباس هدف اصلی زندگی او باشد. بلکه باید همواره خدمت مسیح در رأس امور باشد و امور زندگی در حاشیه باشد. «کلی» (Kelly) می‌گوید: «گرفتار شدن در امور زندگی بدین معنا است که همچون یک شریک واقعی آنچنان سرگرم امور دنیا شویم که دیگر مفهوم جدایی از دنیا را به دست فراموشی بسپاریم.»

یک سرباز وظیفه همیشه آماده دریافت دستور از مافوق خود است. اشتیاق او این است که رضایت آنکه او را سپاهی ساخت بجوید. مسلماً خداوند شخص را ایماندار می‌سازد، و محبت ما نسبت به او باید باعث شود که به دنیا دل نبندیم.

5:2 اکنون مثال تبدیل می‌شود به پهلوانی که برای مسابقه پهلوانی می‌کند. او برای اینکه جایزه دریافت کند باید از قانون مسابقه مطابقت نماید. در مورد خدمت مسیحی هم وضعیت به همین صورت است. چه بسیارند کسانی که پیش از پایان مسابقه از دور خارج می‌شوند، زیرا از کلام خدا اطاعت بی‌چون و چرا نداشتند! خدمت مسیحی چه قوانینی دارد؟ (1) مسیحی باید خویشتن‌دار باشد (1 قرن 27:9) (2) او نباید با سلاح جسمانی بجنگد، بلکه با اسلحه روحانی (2 قرن 4:10) (3) او باید خود را پاک نگاه دارد (4) او نباید تقلا نماید، بلکه صبور باشد.

شخصی گفته است: «مسیحی بیکار» خود یک اصطلاح متناقض است؛ شخص باید بی‌وقفه تلاش نماید تا مسیحی‌گونه زندگی کند، در هر لحظه و در هر جنبه از زندگی.»

6:2 برزگری که محنت می‌کشد، باید اول نصیبی از حاصل ببرد. برطبق تمام اصول عدالت؛ شخصی که زحمت می‌کشد تا محصول به بار بیاید، اول از همه خود باید سهم ببرد.

این باعث تشویق تیموتائوس می‌شد، که مبادا از کار خداوند دلسرد شود. چنین زحمتی به اجرت نخواهد بود. گرچه بسیاری در روز واپسین در این حصاد شرکت خواهند داشت، اما مشقت تیموتائوس برای محبت ازدیاد نخواهد رفت. در حقیقت، او اولین کسی خواهد بود که از دسترنج خود حاصل می‌برد.

7:2 اما در این تمثیل‌ها از خدمت مسیحی معنای عمیق‌تری نهفته است. پولس تیموتائوس را ترغیب می‌نماید که به این مثالها توجه کرده و بر آنها تفکر نماید. پولس دعا می‌کند که حین انجام این کار خداوند او را در همه چیز فهم بخشد. ما پی خواهیم برد که خدمت مسیحی همچون یک جنگ، مسابقه و برزگری است. هر یک از این کارها مسئولیت مخصوص به خود را می‌طلبد، و هر یک پاداش خاص خود را دارد.

8:2 در اینجا پولس رسول به اوج تشویق‌های خود به تیموتائوس جوان می‌رسد. او به الگوی خداوند عیسی می‌پردازد. او الگویی از رنجی است که جلال در پی دارد. عیسی مسیح را به خاطر دار که از نسل داود بوده، از مردگان برخاست بر حسب بشارت من. مقصود این نیست که تیموتائوس باید چیزهای خاصی در مورد مسیح را به خاطر آورد، بلکه او باید خود او را به یاد آورد، که از مردگان برخاسته است.

به یک معنا، این آیه خلاصه‌ای از آنچه‌ای است که پولس وعظ نمود. نقطه‌ی حیاتی در انجیل قیامت نجات‌دهنده است. هیبرت می‌نویسد: «برای تیموتائوس نه یک مسیح مصلوب بلکه منظره‌ی خداوند قیام کرده به تصویر کشیده می‌شود.»

عبارت نسل داود خود یک عبارتی است که مسیح بودن عیسی را نمایان می‌سازد، اینکه او از نسل داود است، که در او وعده‌های مسیحیایی خدا تحقق یافت.

یادآوری شخصیت و کار نجات‌دهنده برای تمام کسانی که می‌خواهند او را خدمت نمایند لازم است. به طور خاص برای آندسته از خادمینی که با زحمت و مرگ روبرو هستند. به یاد آوردن این موضوع که حتی عیسی خداوند خود از راه صلیب و قبر به جلال رسید، ترغیب‌آمیز است.

9:2 پولس به خاطر اعلان انجیل که در آیه 8 گفته شد اکنون در زندان روم به بند کشیده شده بود. به او به دیده‌ی یک بدکار می‌نگریستند، یک مجرم. همه چیز ناامیدکننده بود. نه تنها حکومت روم تصمیم داشت او را بکشد بلکه دوستانش نیز از او روی گردانیده بودند.

و علی‌رغم این شرایط تلخ و دشوار، روح شادان پولس از دیوارهای سیاه‌چال عبور می‌کند. هنگامی که او به یاد می‌آورد که کلام خدا بسته نمی‌شود وضعیت خود را فراموش می‌کند. همان گونه که لئسکی گفته است، "شاید صدای زنده‌ی پولس در خونس خاموش شود، اما آنچه خدا از طریق او می‌گوید در تمام دنیا طنین‌انداز می‌شود." حتی تمام لشکریان دنیا نمی‌توانند مانع از پیشروی کلام خدا شوند، گویی که بخواهند جلوی ریزش باران و برف را بگیرند (اش 55: 10-11). هاروی (Harvey) می‌گوید:

«کلام خدا با قوتی الهی و مقاومت‌ناپذیر به پیروزی ادامه می‌دهد، گرچه مدافعان آن گاهی به زندان افکنده شده و یا شهید می‌شوند. انسانها می‌میرند اما مسیح و انجیل او در طول اعصار گوناگون زنده مانده و پیروز می‌شود.»

10:2 به خاطر ماهیت مقاومت‌ناپذیر انجیل، پولس حاضر بود همه‌ی زحمات را به خاطر برگزیدگان متحمل شود. مقصود از برگزیدگان کسانی است که خدا آنها را برای نجات ازلی انتخاب کرده است. در حالی که کلام خدا می‌گوید که خدا افراد را برای نجات برمی‌گزیند اما در هیچ نمی‌گوید که او برخی را هم برای لعنت برمی‌گزیند. کسانی که نجات می‌یابند، توسط فیض مقتدر خدا نجات می‌یابند. آنهایی که گم شده‌اند، به خاطر انتخاب آزاد خود گم شده‌اند.

هیچکس نباید در مورد آموزه‌ی برگزیدگی با خدا بحث کند، این آموزه خدا را خدا می‌داند، حاکم دنیا، کسی که با فیض، عدالت، راستی و محبت، او عمل ناعادلانه و به دور از انصاف انجام نمی‌دهد، بلکه لطف او اغلب و رای شایستگی‌های انسان عطا می‌شود.

پولس می دانست که با رنجهایی که او به خاطر انجیل متحمل می شود، جانهای بسیاری نجات یافته اند و این جانها روزی در جلال جاودانی با عیسی مسیح شریک خواهند شد. برای پولس نگاه کردن به گناهکارانی که با فیض خدا نجات یافته و با عیسی مسیح جلال یافته اند کافی بود تا بتواند تمام این مشقات را متحمل شود. این موضوع ما را به یاد سخنانی که به راترفورد (Rutherford) نسبت داده اند می اندازد:

آه اگر جانی از آنوت

مرا در دست راست خدا ملاقات می کرد،

آسمان من دو تا می شد

در دستان عمانوئیل.

11:2 آیات 11-13 را برخی از سرودهای اولیه مسیحیان می دانند. چه این آیات از سرودهای اولیه باشد چه نباشند، مسلماً بیانگر برخی اصول راسخ رابطه انسان با خداوند عیسی مسیح هستند. هیبرت می نویسد: «حقیقت مهم در این عبارات پرمعنی این است که ایمان به مسیح ایماندار را در هر چیز با او متحد می کند در حالی که بی ایمانی انسانها را از او جدا می سازد» این چهارمین سخن امین در رساله های پولس به تیموتائوس است. اصل اول این است که اگر با مسیح مردیم، با او زیست خواهیم کرد. این موضوع در مورد هر ایماندار صحت دارد. به مفهوم روحانی هنگامی که او را به عنوان نجات دهنده خود پذیرفتیم با او مردیم. ما با او دفن شدیم، و با او از میان مردگان برخاستیم. مسیح به عنوان نماینده و نایب ما مرد. ما باید برای گناهانمان می مردیم، اما مسیح به جای ما مرد. خدا ما را با او مرده می شمارد، و این موضوع به آن معنا است که ما نیز با او در آسمان زیست خواهیم کرد.

شاید این آیه نیز در مورد کسانی که به عنوان شهدای مسیحی مرده اند کاربرد داشته باشد. کسانی که در مرگ از او پیروی می کردند در قیام نیز در پی او خواهند بود.

12:2 به یک معنا این موضوع در مورد تمام مسیحیان صحت دارد که آنها تحمل می کنند و با مسیح سلطنت خواهند نمود. ویژگی ایمان حقیقی همیشه تداوم است و تمام ایمانداران به این شکل تحمل می کنند. با اینحال باید خاطرنشان شد که همه به یک اندازه با مسیح سلطنت نخواهند نمود. هنگامی که او بازگردد تا بر زمین سلطنت نماید، مقدسین او با او بازگشته و در سلطنت او سهیم خواهند بود. اما حدود سلطنت هر کس را وفاداری او در زندگی حال تعیین می کند.

کسانی که مسیح را انکار نمایند از سوی او انکار خواهند شد. در اینجا مقصود انکار موقت و تحت فشار نیست، همچون انکار پطرس، بلکه انکار دائمی او. این عبارت توصیف کننده یک بی ایمان است - کسی که هیچگاه عیسی خداوند را با ایمان در آغوش نپذیرفت.

13:2 این آیه نیز بی ایمانان را توصیف می کند. دینسدیل یانگ (Dinsdale Young) شرح می دهد: «خدا نمی تواند با خودش مغایرت داشته باشد. او هماهنگ با ذات خود است و با باایمانان و بی ایمانان یکسان رفتار می کند. او همواره نسبت به حقیقت صادق است، حال ما به هر شکلی که باشیم.»

این عبارت نباید مبین این موضوع باشد که وفاداری خدا به منزلهٔ طرفداری از بی‌ایمانان است. مقصود این نیست. اگر انسانها بی‌ایمان هستند، او باید نسبت به ذات خود امین باشد و با آنها نیز بر طبق ذات خود رفتار نماید. همان گونه که فان اوسترزی (Van Oosterzee) می‌گوید: «او در رفتار خود همچون وعده‌هایش امین است.»

3. وفاداری در برابر ارتداد (2:14-4:8)

الف) وفاداری به مسیحیت حقیقی (2:14-26)

2:14 تیموتاؤس باید این چیزها را به یاد ایشان آورد، یعنی، موضوع آیات 11-13. اما مقصود پولس از ایشان کیست؟ احتمالاً مقصود او به طور کل تمام شنوندگان تیموتاؤس است و به طور خاص کسانی که تعالیم عجیب و غریب می‌دادند. این موضوع از ادامهٔ این آیه کاملاً مشخص است، چرا که کسانی معمولاً مجادله می‌کنند که یا معلم باشند یا واعظ، پرواضح است که افرادی در افسس بودند که بر سر مفهوم دقیق برخی واژه‌ها وسواس بسیاری به خرج می‌دادند. آنها به جای اینکه ایمانداران را در کلام خدا بنا نمایند، تنها ایمان کسانی را که به آنها گوش می‌دادند، تحلیل می‌بردند.

دینسدیل یانگ هشدار می‌دهد:

وسواس الهیاتی داشتن بسیار آسان است - ما به راحتی مجذوب سئوالاتی می‌شویم که در آن لحظه ارجحیت ندارند. زندگی آنقدر کوتاه و پرمشغله است که وقتی باقی نمی‌ماند تا فکر و دل خود را به چیزی مشغول سازیم که شکل‌دهنده شخصیت انسان نیست. هنگامی که دنیا به انتظار بشارت است، این به ما بستگی دارد که به راه خود ادامه دهیم یا اینکه شاخه‌های فرعی الهیاتی ما را به خود مشغول سازد. در مورد حقایق عظیم‌تر صادق باشید. بر ضروریات تأکید نمایید، نه جزئیات. قربانیان شمجر و یاعیل را سرمشق قرار ندهید، کسانی که شاهراه‌ها را رها کرده، مجذوب جاده‌های فرعی شده بودند.

2:15 تیموتاؤس باید سعی می‌کرد خود را مقبول خدا سازد. تلاشهای او باید با این هدف انجام می‌شد که عاملی شود که هیچگاه خجل نشود. او می‌توانست این کار را با انجام دادن کلام خدا به خوبی انجام دهد این عبارت اخیر بدان معنا است که با کلام خدا به درستی برخورد نماید، تا بتواند موضوع را بشکافد یا همان گونه که آلفورد (Alford) گفته است، «صادقانه با کلام برخورد نماید بدون تحریف»

2:16 یاوه‌گویی‌های حرام تعالیم ناشایست، شریر و بی‌فایده هستند. چنین چیزی برای قوم خدا سودمند نیست و باید از آن اجتناب شود. تیموتاؤس نباید با این تعالیم بجنگد بلکه آنها را باید حقیر شمارد، نه اینکه با توجه کردن به آنها ارج نهد.

یک چیز دیگر در مورد یاوه‌گوها این است که آنها هیچگاه ثابت نمی‌مانند. بلکه همیشه در بی‌دینی ترقی می‌نمایند. در مورد اشکال گوناگون اشتباه هم وضع به همین منوال است. کسانی که تعلیم اشتباه می‌دهند باید همیشه بر اشتباه خود بیفزایند. این موضوع نشان می‌دهد که نظام‌های غلط مذهبی همواره احکام و اعتقاداتی جدید ارایه می‌دهند. نیازی نیست که بگوییم هرچه اشتباهات آموزه‌ای بیشتر می‌شود، بی‌دینی هم افزون‌تر می‌شود.

17:2 شیوه گسترش تعالیم شریانه با اکل (سرطان) مقایسه شده است. همه ما می دانیم که چگونه این بیماری به سرعت تمام بدن انسان را فرا می گیرد و سلولها را از بین می برند.

واژه اکل را می توان قانقاریا هم ترجمه نمود. قانقاریا هنگامی رخ می دهد که قسمتهایی از بافت بدن فاسد شود و دیگر نتواند خون و ویتامین را جذب نماید.

در جای دیگر در عهد عتیق تعالیم شریانه به خمیرمایه تشبیه شده است که اگر مانع از آن نشویم تمام نان را فرا می گیرد.

در اینجا از دو شخص نام برده شد که تعالیشان کلیسای محلی را فاسد می ساخت. آنها هیمیناؤس و فلیطس هستند. از آنجایی که آنها نتوانستند کلام حقیقت را به درستی بازگو نمایند، آنها هم به مانند دیگران در نظر خدا مایه ننگ هستند.

18:2 تعالیم غلط آنان در اینجا آشکار می شود. آنها به مردم می گفتند که قیامت الان شده است. شاید مقصود آنها این بود که وقتی شخصی نجات می یابد و زندگیش در مسیح تازه می شود، و قیامت او فقط همین بود. به بیانی دیگر، آنها قیامت را روحانی کرده بودند و قیامت واقعی از میان مردگان را استهزاء می نمودند. پولس دریافته بود که این موضوع خطر مهمی برای مسیحیت به شمار می آید.

هامیلتون اسمیت می گوید: «اگر قیامت گذشته است، پس مسلماً مقدسین به وضعیت نهایی خود بر روی زمین دست یافته اند، پس با این اوصاف دیگر کلیسا منتظر بازگشت خداوند نخواهد بود، و حقیقت سرنوشت آسمانی آن رنگ می بازد، و در نتیجه دیگر ماهیت یک زائر را ندارد. کلیسا که ماهیت آسمانی خود را از دست داده است، بر روی زمین می ماند، و تبدیل به قسمتی از نظام اصلاحات و حکومت دنیا می شود.»

این افراد با منحرف ساختن ایمان برخی، جایگاه نامطلوبی در دفتر خدا برای خود رقم زده بودند.

19:2 هنگامی که پولس به هیمیناؤس و فلیطس و تعالیم غلط آنها فکر می کند، باری دیگر درمی یابد چه روزهای سیاهی در انتظار کلیسا است. بی ایمانان از سوی کلیسای محلی پذیرفته شده بودند. حیات روحانی آنقدر فروکش کرده بود که به سختی می شد مسیحیان حقیقی را از ریاکاران تشخیص داده دنیای مسیحیت یک جماعت مختلط است، و اغتشاش ناشی از آن بسیار ویران کننده است.

پولس در این وضعیت اطمینان دارد که بنیاد ثابت خدا قائم است. یعنی اینکه آنچه توسط خود خدا بنیاد نهاده شده علی رغم تحلیل رفتن کلیسا ظاهری، پایدار خواهد ماند.

در مورد معنای بنیاد ثابت خدا تفسیرهای گوناگونی ارائه شده است. برخی می گویند که مقصود کلیسای فقیهی است. دیگران می گویند آن به وعده خدا اشاره دارد یا مقصود آموزه برگزیدگی است. اما آیا مشخص نیست که مقصود از بنیاد خدا، هر چیزی که خدا انجام می دهد باشد؟ اگر او کلام خود را می دهد، هیچ چیز نمی تواند مانع از آن شود. هامیلتون اسمیت (Hamilton Smith) می گوید: «ناکامی و قصور انسان نمی تواند به بنیادی که خدا بنا نهاده خدشهای وارد سازد، یا خدا را از انجام آنچه آغاز کرده بازدارد... آندسته از افرادی که متعلق به خدا هستند، گرچه در میان جماعت مخفی هستند، اما هیچگاه گم نخواهند شد.»

بنیاد خدا یک مهر دوطرفه دارد. یک سوی آن الهی و سوی دیگر انسانی است. از جنبه الهی، خداوند کسان خود را می‌شناسد. او نه تنها آنها را می‌شناسد بلکه آنها را تأیید نموده و قدر آنها را می‌داند. لئسکی می‌گوید او آنها را با محبتی شایسته و مؤثر می‌شناسد. جنبه انسانی مهر این است که هر که نام مسیح را خواند، باید از ناراستی کناره جوید. به بیان دیگر، مسیحیان معترف تنها با زندگی مقدس دیندارانه می‌توانند اصالت ایمان خود را ثابت نمایند. مسیحی حقیقی نباید با بی‌عدالتی سروکار داشته باشد.

مهر نشان مالکیت است و نیز علامت ضمانت و امنیت. بنابراین مهر بنیاد خدا مبین مالکیت او نسبت به کسانی است که ایمانداران حقیقی هستند و ضمانتی است بر اینکه تمام کسانی که ایمان آورده‌اند با دوری گزیدن از بی‌عدالتی اصالت حیات جدید خود را ثابت خواهند کرد.

20:2 خانه بزرگ در این تمثیل به عموم مسیحیان اشاره دارد. جهان مسیحیت به مفهوم گسترده آن شامل ایمانداران و معترفان است - آن کسانی که حقیقتاً تولد تازه دارند و آنانیکه فقط مسیحیان اسمی هستند. ظروف طلا و نقره در اینجا به ایمانداران راستین اشاره دارد.

ظروف چوبی و گلی نه تنها به همه بی‌ایمانان اشاره دارد، بلکه به طور خاص به کسانی که اعمال شیرانه انجام داده و تعالیم غلط می‌دادند، همچون هیمینائوس و فلیطس (آیه 7).

موضوعات مشخص در مورد این ظروف باید مورد توجه قرار گیرند. پیش از هر چیز، مواد ساخت آنها با هم تفاوت دارد. دوم اینکه کاربرد آنها با هم فرق می‌کند. و سرانجام، سرنوشت نهایی آنها با هم فرق دارد. ظروف چوبی و گلی پس از مدتی دور انداخته می‌شوند، اما ظروف طلا و نقره به عنوان شیء باارزش حفظ می‌شوند. عبارت آنها برای عزت و اینها برای ذلت به طرق گوناگون مورد تفسیر قرار گرفته است. برخی می‌گویند مقصود از ذلت، همان حرکت کمتر است. با این اوصاف، همه ظروف ایمانداران حقیقی هستند، اما برخی برای اهداف عالی در نظر گرفته شده‌اند و برخی برای اهداف پست‌تر. دیگران چنین برداشت کرده‌اند که مقصود از ظرف عزت افرادی همچون پولس و تیموتاؤس است، در حالی که ظروف ذلت به افرادی همچون هیمینائوس و فلیطس اشاره دارد.

21:2 تفسیر این عبارت به درک مفهوم آیه بعدی اشاره دارد، «اگر کسی خویشتن را از اینها ظاهر سازد» آیا مقصود از اینها ظروف گلی و چوبی است؟ آیا مقصود تعالیم غلطی است که در آیات قبل ذکر شد؟ یا آیا به طور کلی به افراد شیرین اشاره دارد؟

به نظر بهترین تفسیر این است که مقصود از اینها همان ظروف ذلت باشد. به تیموتاؤس توصیه می‌شود که خود را از شیرینان و به طور خاص از معلمان شیرینی همچون همان اشخاصی که پولس ذکر کرد - هیمینائوس و فلیطس - جدا سازد.

پولس به تیموتاؤس نمی‌گوید که کلیسا را ترک نماید. و نیز به او توصیه نمی‌شود که مسیحیت را ترک نماید. محال بود که او این کار را بکند اما اعتراف مسیحی خود را هم داشته باشد، چرا که جهان مسیحیت شامل ایمانداران و نیز کسانی که به زبان اعتراف می‌کنند مسیحی هستند، می‌باشد. بلکه مسأله اینجا بر سر جدایی گزیدن از بدکاران و تعالیم شیرانه است.

اگر شخصی خود را از جماعت‌های شریر دور نگاه دارد، او ظرف عزت خواهد بود. خدا تنها می‌تواند ظروف پاکیزه را برای خدمت مقدس به کار گیرد. «ای شما که ظروف خداوند را برمی‌دارید، خویشتن را طاهر سازید» (اشعیا 11:52) چنین شخصی مقدس نیز خواهد بود، چرا که برای خدمت خدا خود را جدا می‌سازد. سرانجام اینکه، او برای هر عمل نیکو آماده خواهد شد. او آماده خواهد بود تا در تمام اوقات در هر امری که اربابش می‌گوید مورد استفاده قرار گیرد.

22:2 تیموتاؤس نه تنها باید خود را از اشخاص شرور جدا سازد، بلکه از شهوات جسم نیز باید بگریزد. مقصود از شهوات جوانی نه تنها امیال جسمانی بلکه میل به پول، شهرت، و لذت نیز می‌تواند باشد. همچنین ممکن است خودرأی بودن، ناشکیبایی، غرور و لودگی نیز باشند. همان گونه که گفتیم، احتمالاً تیموتاؤس در این هنگام سی و پنج سال سن داشت. بنابراین شهوات جوانی نمی‌تواند لزوماً به معنای شهواتی که به طور خاص خصیصه یک نوجوان است باشد، بلکه شامل تمام امیال ناپاکی است که همواره در زندگی خادم جوان خداوند وجود دارد و در پی این است که او را از مسیر تقدس و پاکی منحرف سازد.

تیموتاؤس نه تنها باید بگریزد، بلکه باید پیروی نیز نماید. در اینجا هم جنبه منفی است و هم جنبه مثبت. او باید عدالت را تعاقب نماید. یعنی اینکه رفتار او با دیگر ایمانداران همواره باید با صداقت، عدالت و انصاف باشد. ایمان می‌تواند به معنای امانت و یا صداقت کامل باشد. از سوی دیگر، آن می‌تواند مفهوم وابستگی متداوم به خداوند را نیز دربر داشته باشد. هیبرت آن را «اعتماد خالصانه و بالقوه به خدا» می‌نامد.

محبت در اینجا تنها به محبت به خدا محدود نمی‌شود، بلکه باید محبت نسبت به برادران و دنیای گناهکاران گمشده را نیز در خود داشته باشد. محبت همیشه به دیگران توجه می‌کند؛ و اصولاً خودخواه نیست. سلامتی مفهوم هم‌آهنگی و توافق را در خود دارد.

این خصوصیات باید الگوی آنانی که از قلب خالص نام خداوند را می‌خوانند باشد. به مانند آیه 21 در اینجا به تیموتاؤس هشدار داده می‌شود که خود را از افراد شریر جدا سازد، از این رو او در اینجا می‌آموزد که با مسیحیانی همگام شود که در پاکی در حضور خداوند سلوک می‌نمایند. او نباید ویژگی‌های زندگی مسیحی را به تنهایی سرمشق قرار دهد، بلکه باید جایگاه خود را در بدن بیابد و در پی این باشد که با دیگر ایمانداران برای صلاح بدن کار کند.

23:2 تیموتاؤس در طول خدمت مسیحی خود غالباً با مسایل بی‌اهمیت و جزئی مواجه می‌شد. چنین مسایلی نشأت گرفته از ذهن خام و ناآگاه است و هیچ نفعی در آنها به چشم نمی‌خورد. چنین مسایلی باید کنار گذاشته شوند زیرا باعث نزاع می‌شوند. باید بگوییم این سئوالات هیچ ارتباطی با مسایل اساسی ایمان مسیحی ندارند، بلکه مسایل بیهوده‌یی هستند که تنها وقت را تلف کرده و بحث و نزاع به وجود می‌آورند.

24:2 مقصود از بنده خدا در اینجا خادم خداوند است. در آیه‌ای که سخن از تواضع و شکیبایی به میان می‌آید به کار بردن چنین اصطلاحی بسیار شایسته است.

گرچه خادم خداوند برای حقیقت تلاش نماید، اما نباید ستیزه‌جو و اهل جروب‌بحث باشد. او باید نسبت به کسانی که دیرفهم هستند و کسانی که نمی‌خواهند حقیقت کلام خدا را بپذیرند صابر باشد.

25:2 بنده خداوند باید در رفتار با مخالفین خود فروتنی و حلم داشته باشد. شخصی که نمی‌خواهد در برابر کلام خدا تسلیم شود جان خود را گمراه می‌سازد. چنین افرادی باید اصلاح شوند که مبدا این عقیده غلط در آنها شکل بگیرد که دیدگاه آنها بر طبق کتاب مقدس است.

شاید خدا ایشان را توبه بخشد تا راستی را بشناسند. در نگاه اول چنین به نظر می‌رسد که اشتیاق خدا برای اعطای بخشودگی به این افراد زیر سؤال قرار گرفته است. با اینحال موضوع این نیست. حقیقت امر این است که خدا منتظر است آنها با اعتراف و توبه پیش قدم شوند تا آنها را ببخشد. خدا بخشش را از کسی نگرفته است، بلکه غالباً انسانها مایل نیستند که بگویند اشتباه کرده‌اند.

26:2 خادم خداوند باید آنقدر با این افراد خطاکار مدارا نماید تا از دام ابلیس باز به هوش آیند. آنها به حسب اراده او صید شده‌اند، یا گویی که توسط او افسون شده‌اند.

ب) ارتداد آینده (1:3-13)

1:3 اکنون پولس به توصیف وضعیت دنیا پیش از آمدن خداوند می‌پردازد. غالباً گفته شده است فهرست این گناهان بسیار شبیه به بی‌دینانی است که در رومیان 1 ذکر شده است. موضوع مهم این است که همان وضعیتی بر بی‌دینان حاکم است، از ویژگی ایمانداران ظاهری در ایام آخر خواهد بود!

ایام آخر در اینجا روزهای میان دوره رسولان و ظهور مسیح است، هنگامی که برای برقرار ساختن ملکوت خود می‌آید.

2:3 هر کسی به هنگام خواندن این آیات از تکرار واژه «دوستدار» و معادل‌های آن که در متن یونانی آمده تعجب خواهد نمود. به عنوان مثال در آیه 2 خودپرست (دوستدار خود) و طماع (دوستدار پول) را داریم. در آیه 3، عبارت «متنفر از نیکویی» به طور تحت‌اللفظی یعنی اینکه «خوبی را دوست ندارد». در آیه 4، می‌خوانیم که عشرت را بیشتر از خدا دوست دارند.

در آیات 2 الی 5 نوزده ویژگی از ویژگیهای انسانها در ایام آخر است. ما فهرست آنها را به همراه واژه‌های مترادف در ذیل آورده‌ایم:

خودپرست - خودمحور، متکبر، خودپسند

طماع - پول‌پرست، حریص

لافزن - پر از حرفهای توخالی

متکبر - پرافاده، خودخواه

بدگو - کفرگو، بددهان، اهانت‌گو، ناسزاگو

نامطیع والدین - شورشگر، مهارناشدنی

ناسپاس - قدرشناس

ناپاک - لامذهب، بددهان

3:3 بی‌الفت - سخت‌دل، بی‌رحم

کینه‌دل - «سرسخت، سازش‌ناپذیر»

غیبت‌گو - شایع کردن سخنان دروغ و بی‌اساس

ناپرهیز - بر امیال خود تسلط ندارد، عیاش، شهوتران

بی‌مروت - بی‌رحم، بی‌وجدان

متنفر از نیکویی - متنفر از آنچه که خوب است؛ و کاملاً با نیکویی مخالفت می‌کند.

4:3 خیانت‌کار - خائن

تندمزاج - بی‌پروا، خودرأی

مغرور - ادعاهای توخالی کردن، خودپسند

عشرت را بیشتر از خدا دوست دارند - کسانی که لذت‌های جسمانی را دوست دارند نه خدا.

5:3 این افراد در ظاهر مذهبی به نظر می‌رسند. ادعا می‌کنند مسیحی هستند، اما اعمال آنها هیچ سنخیتی با سخنانشان ندارد. آنها با رفتار بد خود ثابت می‌کنند که دروغ می‌گویند. هیچ آثاری از قدرت خدا در زندگی آنها دیده نمی‌شود. در حالی که شاید اصلاحات صورت پذیرد، اما هیچگاه تولد تازه در کار نیست. ویموت (Weymouth) چنین ترجمه می‌کند: «آنها وانمود می‌کنند پرهیزکارند، اما پرهیزکاری آنها قدرتی ندارد» موفات (Moffatt) هم این آیه را چنین ترجمه نموده است: هرچند صورت ظاهر دینداری را دارند، اما منکر قدرت آن خواهند بود. ترجمه فیلیپس چنین می‌گوید: «ظاهر آنها مذهبی است اما رفتار آنها چیز دیگری نشان می‌دهد.» آنها می‌خواهند از یک سو دیندار باشند و از سوی دیگر به گناهانشان ادامه دهند (ر.ک مکاشفه 3:14 - 22) هیبرت (Hiebert) می‌گوید: «این یک تصویر وحشتناک از مسیحیت مرتد است، بی‌دینی نوین در لوای نام مسیحیت» تیموتاؤس ترغیب می‌شود که از چنین افرادی اجراض نماید. اینها همان ظروفی هستند که در باب قبل توصیف شدند و او باید از آنها دوری گزیند.

6:3 پولس در میان افراد فاسد ایام آخر اکنون به یک گروه خاص اشاره می‌کند، یعنی رهبران و معلمان

فرقه‌های دروغین. جزئیات دقیق خصوصیات و روشهای آنها را می‌توان در فرقه‌های امروزی مشاهده نمود.

پیش از هر چیز، می‌خوانیم که آنها به حيله داخل خانه‌ها می‌شوند. این عبارت حرکت مار را در ذهن ما تداعی می‌کند. اگر آنها هويت واقعی خود را نمایان می‌ساختند، در راه یافتن به این خانه‌ها موفق نمی‌شدند، اما آنها از روشهای زیرکانه بسیاری استفاده می‌کنند، همچون سخن گفتن در مورد خدا، کتاب مقدس و عیسی (حتی اگرچه تعلیم کتاب مقدس در مورد این چیزها را باور نداشته باشند).

سپس می‌گویید که آنها زنان کم‌عقل را اسیر می‌کنند. این یک ویژگی است. آنها برنامه خود را به گونه‌ای ترتیب می‌دهند که شوهر در خانه نباشد. تاریخ تکرار می‌شود. شیطان در باب عدن به حوا نزدیک شد و آنها را اسیر کرد. او جایگاه اقتدار بر شوهر را غصب نمود، و آن تصمیمی که برعهده او گذاشته شده بود خود اتخاذ نمود. روش شیطان تغییر نکرده است. او هنوز هم به زنان نزدیک می‌شود و آنها را به سوی اسارت هدایت می‌کند. این

زنان کم عقل هستند چرا که ضعیف و سست هستند تا زمانی که آنها شخصیت ضعیفی دارند دیگر نیازی به کم عقلی نیست.

آنها چنین توصیف شده‌اند: بار گناهان را می‌کشند، و به انواع شهوات رבוده می‌شوند. پیش از هر چیز مقصود از این آیه این است که احساس گناهکار بودن چنان بر آنها سنگینی می‌کند که در زندگی احساس نیاز می‌کنند. درست در همین لحظات مهم است که معلمان دروغین از راه می‌رسند. بسیار تأسف برانگیز است که آندسته از اشخاصی که حقیقت کلام را می‌دانند در رسیدگی به این جانهای آشفته چندان اشتیاق از خود نشان نمی‌دهند. دوم اینکه آنها به انواع شهوات رבוده می‌شوند. ویموت از این آیه چنین برداشت کرده است: «هوسبازیهای ناپایدار آنان را هدایت می‌کند.» موافات آنها را مخلوقات عنان گسیخته هوس می‌نامد. به نظر مقصود این باشد که گرچه از بار گناه آگاه هستند و می‌خواهند از آن آزاد شوند، اما بیشتر مایل هستند خود را در معرض هر باد تعلیم و ابداعات مذهبی قرار دهند.

7:3 مقصود از دائماً تعلیم می‌گیرند این نیست که دائماً درباره‌ی خداوند عیسی و کلام خدا تعلیم می‌گیرند. بلکه، مقصود این است که گاهی پیرو یک فرقه هستند و گاهی پیرو فرقه‌ای دیگر، لکن هرگز به معرفت راستی نمی‌توانند رسید. خداوند عیسی خود حقیقت است. به نظر می‌رسد این زنان بارها به او نزدیک شده بودند، اما دشمنان جان آنها، آنها را اسیر کرده بود و نگذاشته بود که به آن آرامشی که در نجات‌دهنده است دست یابند. در اینجا باید خاطر نشان سازیم که اعضای فرقه‌های مختلف استثنای می‌گویند «دارم تحقیق می‌کنم» و در واقع به آن نظام اشاره می‌کنند. آنها هیچگاه نمی‌توانند با قطعیت بگویند که با ایمان به عیسی مسیح نجاتشان کامل شده است.

این آیه این موضوع را در ذهن ما تداعی می‌کند که علی‌رغم پیشرفت قابل ملاحظه در دانش و تأکید بسیار بر آموزش که امروزه در زندگی باب شده است، باز هم بشر در شناخت راستی عاجز مانده است.

8:31 سه گروه انسان در این رساله ذکر شده است:

فیجلس و هرموجنس (15:1) - از راستی عار دارند .

همینائوس و فلیطس (17:2، 18) - در مورد راستی اشتباه کردند

ینیس و یمبریس (8:3) - در برابر حقیقت مقاومت نمودند

پولس در آیه هشتم دوباره به مسأله رهبران و معلمان دروغین مذاهب می‌پردازد. او آنها را با ینیس و یمبریس مقایسه می‌کند، کسانی که در برابر موسی مقاومت کرده بودند. این اشخاص که بودند؟ در حقیقت اسامی آنها در عهد عتیق ذکر نشده است، اما عموماً بر این باورند که آنها دو تن از جادوگران اصلی مصری بودند که از سوی فرعون فراخوانده شدند تا از معجزاتی که از سوی موسی می‌گشت تقلید نمایند.

مسأله بر سر این است که چگونه پولس اسامی آنها را می‌دانست. این موضوع اصلاً مشکل ایجاد نمی‌کند، زیرا اگر آنها از طریق سخن یهودی به او نرسیده بود، پس به دور از منطقی نخواهد بود که بگوییم این اسامی از طریق مکاشفه الهی به وی رسیده بود.

موضوع مهم این است که آنها با تقلید از کارهای موسی و تقلید از معجزاتش با او مقاومت می‌کردند، این موضوع در مورد رهبران مذاهب دروغین نیز صادق است. آنها با تقلید از کار خدا می‌خواهند با آن مقاومت نمایند. آنها کتاب مقدس مخصوص به خود را دارند، راه نجات مختص به خود - به طور خلاصه آنها در مسیحیت برای هر چیز جایگزینی دارند. آنها با مقاومتی ضعیف در مقابل خدا می‌ایستند، و نیز گاهی به جادوگری و تردستی متوسل می‌شوند.

این افراد فاسدالعقل هستند. آرتور وی (Artur Way) آن را چنین ترجمه کرده است: «ذهن آنها از درون پوسیده است» ذهن آنها منحرف و منحط شده است.

هنگامی که ایمان آنها در بوته آزمایش قرار می‌گیرد، مردود و جعلی از آب درمی‌آید. تنها آزمایش بزرگی که می‌توان در مورد آنها به کار گرفت این است که این سؤال ساده را از آنها بپرسیم، «آیا عیسی مسیح خدا است؟» بسیاری از آنها می‌خواهند با سخن گفتن در مورد اینکه عیسی پسر خدا است آموزه غلط خود را مخفی نگاه دارند، اما مقصود آنها این است عیسی پسر خداست به همان شکلی که دیگران فرزندان خدا هستند. اما هنگامی که با این سؤال مواجه می‌شوند که «آیا عیسی مسیح خدا است؟» هویت واقعی خود را فاش می‌سازند. آنها نه تنها الوهیت عیسی مسیح را انکار می‌کنند بلکه غالباً هنگامی که به چالش طلبیده می‌شوند خشمگین می‌گردند. این موضوع در مورد حامیان فرقه‌هایی همچون «دانش مسیحی»، «روح گراها»، «برادران مسیحی»، «شاهدان یهوه» و فرقه «راه» (The Way) صادق است.

9:3 پولس به تیموتاؤس اطمینان می‌دهد که این معلمان دروغین ترقی نخواهند کرد. مشکل در اینجاست که به نظر می‌رسد در هر عصری آنها در هر زمینه پیشرفت می‌کنند، به نظر چیزی مانع پیشروی آنها در دنیا نیست! می‌توان گفت که هر خطایی سرانجام فاش می‌شود. نظام‌ها یکی پس از دیگری می‌آیند و می‌روند. گرچه به نظر موفق می‌آیند، حتی برای مدت مدیدی، اما با اینحال زمانی فرا می‌رسد که اشتباه آنها بر همگان مسلم می‌شود. آنها می‌توانند انسانها را تا به یک جای مشخصی هدایت کنند، و حتی تا حد معینی اصلاحات انجام می‌دهند. اما هیچگاه تولد تازه ندارند. آنها هیچگاه نمی‌توانند آزادی از عقوبت و قدرت گناه را به اشخاص معرفی کنند. آنها نمی‌توانند حیات ببخشند.

ینیس و یمبریس تا حد مشخصی می‌توانستند با اعمال جادوگرانه خود از موسی تقلید نمایند. با اینحال هنگامی که مسأله حیات بخشیدن به مرده به میان آمد، آنها کاملاً ناتوان بودند. این همان موضوعی است که فرقه‌های کاذب در آن شکست می‌خورند.

10:3 زندگی و خدمت پولس در تقابل آشکار با این معلمان دروغین بوده تیموتاؤس به خوبی از نه ویژگی‌یی که در این خادم خداوند به چشم می‌خورد آگاه بود. او همواره در کنار پولس بود و می‌توانست شهادت دهد که او مردی بود که نسبت به مسیح و کلام او وفادار بود.

تعلیم پولس رسول مطابق با کلام خدا و نسبت به شخص خداوند عیسی مسیح وفادار بود. سیرت یا رفتار او مطابق با پیغامی بود که او موعظه می‌کرد. قصد او در زندگی باید از شرارت تعلیمی و اخلاقی مبرا باشد. مقصود از ایمان در اینجا توکل پولس به خداوند، یا وفاداری شخصی خود او است. تیموتاؤس او را به عنوان کسی که کاملاً

بر خداوند توکل داشت می‌شناخت، و از سوی دیگر، به عنوان شخصی که صادق و قابل اعتماد بود. حلم پولس در دیدگاه او نسبت به جفارسانندگان و مخالفان او و نیز نسبت به زحمات عیسی آشکار بود. در مورد محبت پولس باید گفت که او خود را فداکارانه به خداوند و ایمانداران وقف کرده بود. هرچه کمتر از سوی دیگران محبت می‌شد، او در محبت مصمم‌تر می‌شد. صبر به طور تحت‌اللفظی به معنای «تاب آوردن» است.

11:3 برخی از زحمات و آلام و رنجهایی که پولس متحمل شد در 2 قرنیتان 23:11-28 توصیف شده است. با اینحال، او به طور خاص به کسانی می‌اندیشد که با تیموتاؤس انس گرفته بودند. از آنجایی که منزل تیموتاؤس در لستره بود، او در مورد زحماتی که پولس در آنجا و در شهرهای همسایه یعنی انطاکیه و ایقونیه متحمل شده بود آگاهی داشت. این زحمات در کتاب اعمال ثبت شده است - انطاکیه، اعمال 13:45، 50؛ ایقونیه اعمال 14:3-6؛ لستره، اعمال 14:19، 20.

پولس به این حقیقت که خداوند او را از همه این شهرها رهایی داد افتخار می‌کند. خداوند او را از (میان) مشکلات رها کنید. این موضوع خود یادآور این وعده است که ما از شر مشکلات رهایی نیافتیم، بلکه به ما وعده داده شده است که خداوند با ما خواهد بود و ما را خواهد دید.

12:3 زحمات جزء لاینفک زندگی وقف شده مسیحی است. بهتر است هر تیموتاؤس جوانی بر این امر واقف باشد. واگر نه هنگامی که فراخوانده می‌شود تا به اعماق آنها برود، ممکن است گمان برد که خداوند را از دست داده است و یا اینکه خداوند بنا به دلایلی از او راضی نیست. حقیقت امر این است که زحمات برای کسانی که می‌خواهند به دینداری زیست کنند امریست اجتناب‌ناپذیر.

علت این زحمت بسیار ساده است. زندگی دیندارانه شرارت دیگران را آشکار می‌سازد. مردم دوست ندارند هویتشان فاش شود. آنها به جای اینکه از شرارت خود توبه نموده و به سوی مسیح بازگردند، در پی این هستند که کسانی را که باعث آشکار شدن هویت آنها می‌شود، نابود کنند. مسلماً چنین رفتاری کاملاً غیرمنطقی است، اما این ویژگی انسان سقوط کرده است.

13:3 پولس چنین خیالاتی در سر نداشت که دنیا به تدریج بهتر و بهتر می‌شود، تا اینکه سرانجام تمام انسانها ایمان بیاورند. بلکه مکاشفه الهی بر وی آشکار ساخته بود که اوضاع کاملاً برخلاف این موضوع است. مردمان شریر و دغلباز در بدی ترقی خواهند کرد. آنها در روشهای خود زیرک‌تر شده و مخالفتهایشان جسورانه‌تر می‌شود. آنها نه تنها دیگران را فریب داده، بلکه خود در دامی که برای دیگران می‌نهند گرفتار می‌شوند. آنها پس از اینکه برای مدتها دروغهای خود را به دیگران ارایه دادند، خود نیز آنها را باور خواهند کرد.

ج) مرد خدا در برابر ارتداد (8:4-14:3)

14:3 تیموتاؤس بارها و بارها ترغیب می‌شود که در تعالیم کلام خدا قایم باشد. چرا هنگامی که تعالیم غلط از هر سو هجوم می‌آورند این موضوع برای او منبع عظیمی محسوب می‌شود. اگر او کتاب مقدس را بداند و از آن اطاعت نماید، هیچگاه فریب این طریقها را نخواهد خورد.

تیموتاؤس نه تنها حقایق عظیم ایمان را آموخته بود، بلکه خود شخصاً نیز در آنها اطمینان یافته بود. تردیدی نیست که به او می‌گفتند این تعالیم کهنه شده‌اند و از نظر فرهنگی و منطقی دیگر کارآمد نیستند. اما او نباید به خاطر فرضیات و نظریات انسانی حقیقت را ترک می‌کرد.

پولس رسول به او توصیه می‌کند که همواره به یاد آورد که از چه کسی تعلیم یافته است. در مورد اینکه مرجع ضمیر «چه کسی» پولس باشد یا مادر تیموتاؤس و یا مادر بزرگش و یا به طور کل رسولان اختلاف نظر وجود دارد. به هر حال، مقصود در اینجا این است که کتاب مقدس به او تعلیم داده شده بود و آن هم توسط کسانی که زندگیشان خود شهادتی بود بر واقعیت ایمان آنها. آنها افرادی دیندار بودند که در زندگی فقط به جلال خدا می‌اندیشیدند.

15:3 این آیه بسیار به ما کمک می‌کند. موضوع اصلی در اینجا این است که تیموتاؤس از کودکی کتاب مقدس و یا رسالات را می‌دانسته است. حتی این مفهوم نیز در این آیات نهفته است که مادر او به هنگام آموزش الفبای زبان از کتاب مقدس استفاده می‌کرد، و تحت هیچ شرایطی او نباید آن کتاب مبارک را که قالب زندگی او را برای خدا و نیکویی شکل داده بود فراموش نماید.

در اینجا می‌خوانیم که کتب مقدسه می‌تواند انسانها را حکمت آموزد برای نجات. در وهله اول مقصود این است که انسانها طریق نجات را توسط کتاب مقدس می‌آموزند. همچنین می‌تواند دربرگیرنده این مفهوم باشد که اطمینان نجات از طریق کتاب مقدس حاصل می‌شود.

نجات بوسیله ایمانی که بر مسیح عیسی است. ما باید به خوبی به این موضوع توجه نماییم. نجات از طریق اعمال نیکو، تعمید، عضویت کلیسا، تأییدیه، اطاعت از ده فرمان، نگاه داشتن قانون طلایی، و یا هر طریق دیگری که مستلزم تلاش انسانی باشد نیست. نجات توسط ایمان به پسر خدا حاصل می‌شود.

16:3 هنگامی که پولس از تمامی کتب سخن می‌گوید، بی‌گمان مقصود او، عهد عتیق و نیز قسمتهایی از عهد جدید که در زمان او وجود داشت بود. او در اول تیموتاؤس 18:5 از انجیل لوقا به عنوان کتاب مقدس نقل می‌کند (7:10) و پطرس از رسالات پولس به عنوان کتاب مقدس یاد می‌کند (2 پطرس 3:16) امروزه ما این آیه را در مورد کل کتاب مقدس به کار می‌بریم.

این یکی از مهم‌ترین آیات در کتاب مقدس در مورد موضوع الهام است. این آیه به ما تعلیم می‌دهد که کتاب مقدس کلام خدا است. او به طرز معجزه‌آسایی کلام خود را به انسانها داد و آنها را هدایت نمود تا کلام او را ثبت نمایند تا بدینوسیله حفظ شود. آنچه که آنها نگاشته همان کلام خدا است. الهامی و خطاناپذیر. گرچه درست است که سبک نگارش افراد در این امر نادیده انگاشته نشده است، اما از سویی دیگر این موضوع نیز صحت دارد که روح القدس واژگان مورد استفاده را عطا کرده است. از این رو در 1 قرنتیان 13:2 می‌خوانیم: «آنها را نیز بیان می‌کنیم نه به سخنان آموخته شده از حکمت انسان، بلکه به آنچه روح القدس می‌آموزد و روحانها را با روحانها جمع می‌نماییم.» حداقل موضوعی که از این آیه می‌توان دریافت این است که نویسندگان الهامی واژگانی که روح القدس به آنها می‌آموخت را به کار می‌بردند. مقصود از الهام لغوی همین است.

نویسندگان کتاب مقدس تفسیر خود را از موضوعات گوناگون ارایه نکردند، بلکه پیغمبی که خدا به آنها داده بود را ثبت نمودند. این را نخست بدانید که هیچ نبوت کتاب از تفسیر خود نسبی نیست. زیرا که نبوت به اراده انسان هرگز آورده نشد، بلکه مردمان به روح القدس مجذوب شده، از جانب خدا سخن گفتند. (2 پتر 1:20، 21) اشتباه است که بگوییم خدا مفاهیم را به نویسندگان داد و اجازه داد که آنها این مفاهیم را با واژه‌های خود ثبت نمایند. حقیقتی که در کتاب مقدس مورد تأکید قرار گرفته این است که همان واژه‌هایی را که خدا در ابتدا به انسانها عطا نموده همه از سوی خدا است.

کتاب مقدس کلام خدا است، پس مفید است. هر قسمت از آن مفید است. گرچه شاید انسان در مورد برخی از عبارات نامفهوم و یا عبارات مربوط به تبارشناسی به تفکر واداشته شود، اما با اینحال ذهنی که از روح القدس می‌آموزد درخواهد یافت که در هر واژه‌ای یک تغذیه روحانی نهفته است که از دهان خدا سرچشمه گرفته است. کتاب مقدس بجهت تعلیم مفید است. کلام خدا در مورد موضوعاتی همچون تثلیث، فرشتگان، انسان، گناه، نجات، تقدیس، کلیسا، و نیز وقایع آینده ارایه‌دهنده فکر خدا است.

علاوه بر این کتاب مقدس برای تنبیه مفید است. هنگامی که کتاب مقدس را می‌خوانیم درمی‌یابیم که آن در مورد موضوعاتی که برای خدا ناخوشایند هستند به صراحت سخن می‌گوید. همچنین کتاب مقدس برای تکذیب خطا و برای پاسخ دادن به وسوسه‌ها مفید است.

علاوه بر این کلام برای اصلاح مفید است. کلام خدا نه تنها اشتباه را نشان می‌دهد بلکه روش اصلاح اشتباه را هم می‌آموزد. به عنوان مثال، کتاب مقدس نه تنها می‌گوید، «دزد دیگر دزدی نکند، بلکه می‌گوید، «بلکه به دستهای خود کار نیکو کرده، زحمت بکشد تا بتواند نیازمندی را چیزی دهد.» می‌توان قسمت اول این آیه را تنبیه دانست، در حالی که قسمت دوم را اصلاح.

سرانجام اینکه، کتاب مقدس برای تربیت در عدالت مفید است. فیض خدا به ما تعلیم می‌دهد که زندگی مقدس داشته باشیم، اما کلام خدا به تفصیل چیزهایی که برای بنای یک زندگی مقدس لازم داریم را به ما می‌گوید. 3:17 توسط کلام خدا، مرد خدا کامل و بالغ می‌شود. او به طور کامل آراسته می‌شود تا هر عمل نیکو را بجا آورد که در واقع هدف از نجات او را تشکیل می‌دهد (افس 2:8-10) این موضوع با مفاهیم امروزی تجهیز شدن با مدارج دانشگاهی کاملاً در تضاد است.

لنسکی می‌نویسد:

کلام خدا کاملاً بی‌همتا است؛ هیچ کتاب و کتابخانه و چیز دیگری در دنیا قادر نیست یک گناهکار گمشده را برای نجات عاقل گرداند؛ هیچ کتاب دیگری؛ چرا که آنها فاقد الهام خدا هستند، کلام خدا در این زمینه‌ها مفید است: تعلیم حقایق راستین نجات‌بخش - تکذیب دروغها و خیالاتی که انکارکننده حقیقت هستند - احیای گناهکار یا یک مسیحی سقوط کرده به یک وضعیت استوار - آموزش، پرورش و تعلیم شخص در عدالت حقیقی.»

1:4 اکنون پولس به آخرین مسئولیت به تیموتائوس می‌پردازد. او این کار را در حضور خدا و خداوند عیسی مسیح انجام می‌دهد. تمام خدمات باید با در نظر گرفتن این حقیقت که توسط چشمان همه‌بین خدا دیده می‌شوند، انجام شوند.

در این آیه خداوند عیسی به عنوان شخصی معرفی شده است که بر زندگان و مردگان داوری خواهد کرد به ظهور و ملکوت او. واژه به در اینجا دربردارنده این مفهوم است که به هنگام بازگشت نجات‌دهنده برای برقرار ساختن ملکوت خود، یک قیامت و داوری همگانی رخ خواهد داد. اما در متن اصلی یونانی واژه kata به طور تحت‌اللفظی به معنای «مطابق با» یا «هماهنگ با» است.

خداوند عیسی کسی است که بر زندگان و مردگان داوری می‌کند، اما زمانی مشخص برای آن ذکر نشده است. پولس ظهور و ملکوت مسیح را انگیزه‌ای برای خدمت وفادارانه می‌داند.

ما از اشارات دیگر کتاب مقدس درمی‌یابیم که بازگشت ثانوی مسیح به هنگام داوری بر زندگان و مردگان نیست. برطبق مکاشفه 5:20 تا پایان سلطنت هزارساله مسیح بر مردگان گناهکار داوری نخواهد شد.

خدمت ایمانداران در مقابل تخت داوری مسیح پاداش خواهد داشت، اما این پاداش‌ها به هنگام ظهور مسیح و ملکوت او ظاهر خواهد شد. به نظر می‌رسد که این پاداش‌ها با حکومت و زمامداری در دوره سلطنت هزارساله مرتبط باشند. به عنوان مثال کسانی که امین باشند بر ده شهر حکومت خواهند کرد (لوقا 17:19)

2:4 با توجه به مراقبت کنونی خدا از خادمین خود و نیز پاداش آینده او، تیموتائوس باید کلام را اعلان نماید. او باید بدون تلف کردن وقت این کار را انجام دهد و از هر فرصتی سود جوید. پیغام در هر زمانی در فرصت است، حتی اگرچه برخی گمان برند که غیر فرصت باشد. تیموتائوس به عنوان خادم مسیح خوانده شده است تا تنبیه نماید، یعنی یا ثابت نماید یا ترد کند. او باید آنچه که اشتباه است را توبیخ نماید. لازم است که او گناهکاران را تشویق و نصیحت نماید که ایمان بیاورند و نیز مقدسین را تا به راه خود در خداوند ادامه دهند.

او در همه این امور باید صبور باش و هر چیز را تحمل نماید و نسبت به تعلیم آموزه‌های درست امین باشد. 3:4 پولس در آیات 3-6 برای مسئولیتی که به تیموتائوس سپرده دو دلیل قوی ارائه می‌کند. دلیل اول این است که یک ارتداد عمومی از تعلیم صحیح رخ خواهد داد و دلیل دوم این است که وقت رحلت پولس نزدیک است.

پولس رسول به آینده می‌نگرد هنگامی که مردم به طرز وسیعی از تعلیم صحیح رویگردان می‌شوند. آنها با عزمی راسخ از کسانی که حقیقت کلام خدا را موعظه می‌کنند رویگردان می‌شوند. گوش آنها مشتاق شنیدن تعالیمی است که خوشایند و راحت باشند. آنها برای اینکه اشتیاق خود برای تعالیم نوین و رضایت‌بخش را ارضا نمایند، گروهی از معلمان را گردهم می‌آورند تا آنچه که دوست دارند را از آنها تعلیم گیرند.

4:4 اشتیاق برای شنیدن تعالیم آرام و ملایم باعث خواهد شد مردم گوشهای خود را از راستی برگردانیده و به افسانه‌ها گوش فرادهند. این یک معامله بی‌ارزش است - اینکه حقیقت را فدای افسانه‌ها کنیم - اما این پاداش به کسانی است که تعلیم صحیح را رد می‌کنند.

5:4 در همه چیز هشیار باش یعنی اینکه مراقب همه چیز باش. تیموتائوس باید در کارهایش جدی و متعادل باشد، او نباید از زیر بار زحمات شانه خالی کند بلکه باید مشتاقانه متحمل سختی‌هایی که در خدمت مسیح رخ می‌دهد شود.

در مورد عبارت «عمل مبشر را بجا آور» کمی اختلاف نظر وجود دارد. برخی گمان می‌کنند که تیموتائوس واقعاً یک مبشر بود و پولس در اینجا تنها به او می‌گوید که به خدمت خود ادامه دهد. دیگران بر این باورند که تیموتائوس عطای بشارت نداشته است، شاید عطای تعلیم یا شبانی داشته است، اما این امر نباید موجب این می‌شد که او را از بشارت انجیل در فرصتهایی که فراهم می‌شد بازدارد. احتمالاً تیموتائوس یک مبشر بود و هدف پولس در اینجا تنها تشویق او در این کار است.

او در هر زمینه باید خدمت خود را به کمال رساند و بهترین استعدادهای خود را وقف خدمت خود نماید. 6:4 دلیل دوم در سپردن این مسئولیت به تیموتائوس این است که رحلت پولس نزدیک بود. او اکنون باید همچون هدیه ریختنی، ریخته شود. او ریخته شدن خون خود را به هنگام شهادت به ریخته شدن هدیه ریختنی بر قربانی تشبیه می‌نماید (مراجعه نمایید به خر 40:29؛ اع 1:15-10) پولس قبلاً هم در فیلیپیان 17:2 مرگ خود را به هدیه ریختنی تشبیه کرده بود. هیبرت می‌گوید: «تمام زندگی او همچون یک قربانی زنده به خدا تقدیم شده بود؛ اکنون مرگ او، که با ریخته شدن شراب به عنوان آخرین عمل مراسم قربانی مقایسه شده است، قربانی را کامل خواهد کرد.»

وقت رحلت من رسیده است. واژه یونانی analisis (تحت‌اللفظی به معنای «از دست دادن») که پولس در اینجا برای وقت رحلت خود استفاده کرده، واژه‌ای بسیار پرمفهوم است که حداقل چهار تصویر متفاوت در مقابل ما قرار می‌دهد؛ 1) این واژه مورد استفاده در یانوردان است که برای «باز نکردن» کشتی از لنگرگاه به کار می‌رود 2) این واژه مورد استفاده کارگران شخم‌زن است که اشاره دارد به «باز کردن یوغ» گروه خسته حیوانات پس از شخم زدن 3) این واژه مورد استفاده مسافران است، که مفهوم «جمع کردن» چادری است که قبل از آغاز یک سفر انجام می‌شود 4) این واژه مورد استفاده فیلسوفان بود که دلالت بر «راه‌حل» یک مشکل دارد. در اینجا بار دیگر با تصویرپردازی غنی پولس روبرو می‌شویم.

7:4 در نگاه اول به نظر می‌رسد پولس در این آیه به خود فخر می‌کند. اما موضوع این نیست. مقصود این نیست که جنگ نیکویی کرده باشد، بلکه او جنگیده بود و هنوز هم به جنگ نیکو جنگ می‌کرد، یعنی جنگ ایمان. او انرژی خود را در جنگ نیکو صرف کرده بود. جنگ در اینجا لزوماً به معنای نبرد نیست، بلکه مقصود یک مسابقه ورزشی است.

حتی اگرچه او می‌نوشت اما می‌دانست که جنگ توان‌فرسا تقریباً پایان یافته بود. او در طول دوره خود دویده بود و به هدف نظر داشت.

پس پولس نیز ایمان را محفوظ داشته بود. مقصود این است که نه تنها پولس خود به آموزه‌های غنی ایمان مسیحی ایمان داشت، بلکه همچون یک مباشر از تعلیمی که به او سپرده شده بود محافظت نموده بود و آن را با همان شفافیت اولیه به دیگران انتقال داده بود.

8:4 پولس رسول اطمینان خود را ابراز می‌دارد از اینکه عدالتی که در خدمت خود ظاهر نمود در مقابل تخت داوری مسیح از سوی خداوند عادل پاداش دریافت خواهد نمود.

خداوند در اینجا به عنوان داور عادل نام برده شده است، اما مفهوم در اینجا قاضی دادگاه نیست بلکه داور مسابقات ورزشی است. او برخلاف داوران زمینی، دانش کاملی خواهد داشت، او به اشخاص اعتنایی نخواهد کرد، بلکه او انگیزه‌ها و اعمال را ارزیابی خواهد نمود و داوری او صحیح و منصفانه خواهد بود.

تاج عدالت در اینجا حلقه گلی است (نه تاج شاهی) که به آن دسته از ایمانداران داده می‌شود که در خدمت خود عدالت را به جا آورند. در حقیقت، این حلقه گل به تمام کسانی داده می‌شود که ظهور مسیح را دوست دارند. اگر شخصی حقیقتاً با اشتیاق تمام انتظار آمدن مسیح را می‌کشد و در پرتو این حقیقت زیست می‌کند، پس زندگی او در عدالت خواهد بود و در نتیجه پاداش خواهد یافت. در اینجا به ما یادآوری می‌شود هنگامی که حقیقتاً به آمدن ثانوی مسیح ایمان داریم و مشتاق آن هستیم، این موضوع تأثیری تقدیس کننده بر زندگی شخص دارند.

4. تقاضاها و سخنان شخصی (9:4-22)

9:4 پولس پا به سن گذاشته در انتظار مشارکت با برادر جوان خود در خداوند است. از این رو به او توصیه می‌کند تا تلاش نماید در آینده نزدیک به روم بیاید. پولس رسول در زندان روم به شدت احساس تنهایی می‌کند.

10:4 یکی از تلخ‌ترین تجربیات در خدمت مسیحی این است که شخص از سوی کسانی که قبلاً با او همکار بوده‌اند طرد شود. دیماس دوست پولس، برادر ایماندار و همکار ایماندار او بود. اما پولس اکنون در زندان بود، مسیحیان تحت جفا بودند، و جو سیاسی به طور خاص برای مسیحیان نامناسب بود. دیماس به جای اینکه مشتاق ظهور خداوند باشد به جهان حاضر محبت نمود و از این رو پولس را ترک نموده به تسالونیک رفت. این لزوماً بدان معنا نیست که دیماس اعتراف مسیحی خود را کنار گذاشته و مرتد شد. و نه به این معنا است که او یک ایماندار نبوده است. بلکه ترس از جان باعث شد که به وضع بد گذشته برگردد.

سپس پولس رسول می‌افزاید که کریسکس به غلاطیه رفته بود، و تیطس به دلماطیه. درباره آنها هیچ واژه‌ای حالی از ملامت وجود ندارد؛ شاید آنها به خاطر خدمت مسیحی به آنجا رفته بودند. در کل کتاب مقدس تنها در اینجا به کریسکس اشاره شده است (که معنای اسمش «رشد کردن» است) ما بیشتر از این درباره او نمی‌دانیم. این باید مایه ترغیب ایمانداران باشد. مهم نیست که چقدر وضعیت آنها در زندگی پست باشد، حتی یک مأموریت برای خداوند بدون پاداش نخواهد ماند.

11:4 طیب محبوب لوقا تنها کسی بود که با پولس در روم ارتباط داشت. چقدر برای پولس رسول ارزش داشت که این مرد بزرگ خدا مایه دلگرمی روحانی او می‌شد!

و چقدر ما باید برای قسمت دوم آیه 11 خدا را شکر کنیم! این موضوع ما را تشویق می‌کند که علی‌رغم ناکامی در خدمت به خداوند او به ما فرصتی دیگر می‌دهد تا به همراه او پیش رویم. مرقس کسی بود که در اولین سفر بشارتی پولس و برنا با به همراه آنان رفت، اما سپس آنها را در پرچه ترک نمود و به خانه بازگشت. هنگامی که زمان سفر دوم بشارتی فرا رسید، پولس به خاطر رفتار مرقس جوان در سفر قبل نمی‌خواست که او همراهش بیاید. هنگامی که برنا با اصرار ورزید مرقس همراه آنها بیاید، با عزیمت پولس و سیلاس به سوریه و قیلیقیه

موضوع حل شد، در حالی که برنابا و مرقس به قبرس رفتند. سپس پولس و مرقس با هم آشتی کردند، و در اینجا پولس به طور خاص می‌خواهد که مرقس که بجهت خدمت مفید است نزد او بیاید.

12:4 آندسته از افرادی که بر این باورند تیموتائوس به هنگام نوشتن این رساله در افسس بود می‌گویند پولس تیخیکس را به عنوان جایگزینی برای تیموتائوس به هنگام غیبت وی به آنجا فرستاد. آنها بر این باورند مقصود پولس در اینجا این است: «اما به تیخیکس مأموریت دادم به افسس برود.»

13:4 ردای مذکور در اینجا می‌تواند هم یک پوشش بیرونی باشد و یا کیفی که کتابها را در آن حمل می‌کنند. عموماً آن را همان ردا می‌دانند.

در مورد تفاوت میان کتابها و رقوق اتفاق نظری نیست. آیا آنها قسمتهایی از کلام خدا بودند؟ آیا برخی از رسالات پولس بودند؟ آیا مقصود اوراقی بودند که به هنگام محاکمه از آن استفاده می‌کرد؟ آیا آنها کاغذها یا پاپیروسهای سفید بودند که او به هنگام نوشتن از آنها استفاده می‌کرد؟ نمی‌توان به طور قطع گفت. اما موضوع مهم این است که پولس حتی در زندان هم خود را با نوشتن و مطالعه مشغول می‌ساخت.

داستان بسیار جالبی در مورد این آیه به ظاهر کم‌اهمیت گفته شده است. اف. دبلیو. نیومن (F.W.Newman)، برادر کوچک کاردینال نیومن، روزی از داربی پرسید اگر این آیه در کلام نبود چگونه می‌شود که در این زمینه فقیر می‌شدیم؟ آیا ارزش آن مربوط به همان زمان نبود؟ آیا اگر پولس آن را نمی‌نوشت چیزی را از دست می‌دادیم؟ داربی بی‌درنگ پاسخ داد: «مسلماً یک چیز را از دست می‌دادم؛ چرا که به خاطر همین آیه کتابخانه‌ام را نفروختم. هر واژه که به آن وابسته است از روح‌القدس است، و برای خدمت ابدی است.»

14:4 احتمالاً اسکندر زرگر همان کسی است که در 1 تیموتائوس 20:1 در مورد وی گفته شده ایمانش تنزل یافته است. به هر حال او نسبت به پولس بدیهای بسیاری مرتکب شده بود. ما تنها می‌توانیم پی ببریم که ذات او شریر بود. اگر این آیه را با آیه بعد ارتباط دهیم، چنین به نظر می‌رسد که گویا اسکندر برعلیه پولس رسول شهادت داده و اتهامات دروغین بر وی وارد آورده بود. کانیبیر (Conybeare) و هاوسن (Howson) آن را چنین ترجمه کرده‌اند: «اسکندر زرگر اتهامات بدی بر من وارد آورد.» پولس مطمئن بود که خداوند به حسب افعالش او را جزا خواهد داد.

15:4 این آیه رسیدن تیموتائوس به روم را پیش‌بینی می‌کند. او باید از اسکندر با حذر باشد، که مبادا از دستان این مرد شریر رنج بیند. بعید نیست که اسکندر با مخالفت بسیار با شهادت پولس در اجتماعات عمومی بشدت با او مقاومت کرده باشد.

16:4 احتمالاً پولس به وقایع چند روز گذشته فکر می‌کند. مقصود از محاجه اول اولین فرصتی است که به او داده شد تا در محاکمه آخر از خود دفاع کند. این موضوع بسیار غم‌انگیز بود که هیچ کس حاضر نشد در طرفداری از این رسول هشیار که نوشته‌هایش تا قرن‌ها بعد جانها را سیراب نمود، سخنی ارایه دهد. هیچکس از او دفاع نکرد، اما این موضوع باعث نشد که پولس نسبت به دیگران کینه به دل گیرد. او به مانند نجات‌دهنده، دعا می‌کند که این برایشان محسوب نشود.

17:4 گرچه انسانها او را ترک کردند اما خداوند با او ایستاده بود. نه تنها این، بلکه او از خدا قوت یافته بود تا به هنگام محاکمه انجیل را بشارت دهد. این پیغام بدون هیچ مقاومتی بیان شد، و یک محکمه غیریهودی پیغام نجات را شنید.

استاک با تعجب می گوید:

"تمامی امت‌ها - عجب گروه سرشناسی از رمیها در این عبارت ساده به چشم می‌خورند! در آن روز پیغام خدا به بشر را شنیدند؛ همه شنیدند که عیسی مصلوب و جلال یافته به عنوان تنها نجات‌دهنده به این جهان آمد. این یک تصویر بسیار بزرگ است؛ تصور ما از درک این صحنه خارق‌العاده عاجز است؛ این احتمالاً یکی از لحظات بزرگ تاریخ بوده است؛ آیا پیامدهای آن در ابدیت بر ما آشکار نخواهد شد؟"

واژه قوت داد در این آیه یک واژه معمول نیست؛ این واژه تنها هشت بار در عهد جدید یافت می‌شود. آن در اعمال 22:9 دیده می‌شود یعنی در آغاز خدمت عمومی پولس: «بیشتر تقویت یافته» در اینجا باری دیگر به کار رفته است، اما اکنون در پایان خدمت او به کار رفته - یادآور قوت پایدار خداوند در تمام زندگی پر از خدمت او. عبارت «از دهان شیر رستم» یک سبک سخن گفتن است که در واقع می‌گوید یک فرصت موقت به او اعطا شد. محاکمه ادامه می‌یافت. برای مدتی خطر دور شده بود. تلاش شده است تا شیر را به نرون، شریر، یا حیوانات وحشی نسبت دهند. اما درک این موضوع که مقصود در اینجا خطر است ساده‌تر است.

18:4 هنگامی که پولس گفت خداوند او را از هر کار بد خواهد رهانید، مقصود او این نبود که به طور قطع از اعدام شدن خواهد رست. او می‌دانست که لحظه مرگش نزدیک شده است (آیه 6). پس مقصود او چه بود؟ تردیدی نیست که او می‌خواهد بگوید خداوند او را از هر عیب در روزهای آخر شهادت خود دور نگاه می‌دارد. خداوند او را از انکار، هر چیزی که باعث انکار نام او می‌شد، از ترس، یا از اشکال گوناگون تنزل اخلاقی رهایی می‌بخشید.

نه تنها این، بلکه پولس مطمئن بود که خداوند او را تا به ملکوت آسمانی خود حفظ خواهد نمود. مقصود از ملکوت آسمان نه تنها سلطنت هزارساله مسیح بر روی زمین است، بلکه مقصود خود آسمان نیز است، هنگامی که حکومت خداوند به طور کامل مستقر می‌شود.

در اینجا پولس جلال را تا ابدالاباد به خدا می‌دهد. تا ابدالاباد به طور تحت‌اللفظی به معنای «سالهای سال» است و این واژه مفهوم ابدیت را به شدیدترین شکل ممکن در زبان یونانی بیان می‌کند (واژه ابدالاباد در زبان فارسی نیز چنین است) به معنی واقعی کلمه، در ابدیت «سال» دیگر معنی ندارد، بلکه از آنجایی که مصداق عدم زمان در ذهن بشر وجود ندارد، استفاده از عبارت زمان بسنده می‌کند.

19:4 اکنون پولس به زوجی که همواره با او در انجیل خدمت کرده‌اند سلام می‌رساند. فرسکا (پرسکلا) و اکیلا برای اولین بار پولس را در قرن‌تس ملاقات نمودند و سپس با او تا به افسس هم سفر کردند. آنها برای مدتی در روم زندگی نمودند (روم 3:16)، و به مانند پولس خیمه‌دوز بودند.

انیفورس قبلاً در 16:1 نیز به عنوان کسی که پولس را تسلی داد و از زندانی شدن او عار نداشت ذکر شد.

20:4 احتمالاً ارستس همان کسی است که خزانهدار شهر قرنتس بود (روم 16:23) تروفمیس قبلاً در اعمال 4:20 و 29:21 ذکر شده بود. او که در افسس ایمان آورده بود پولس را تا اورشلیم همراهی نمود. یهودیان در آنجا گمان بردند که پولس او را به هیکل برده است. ما در اینجا می‌خوانیم که پولس او را در میلیتس بیمار واگذار کرد. این عبارت حاکی از آن است که گرچه پولس خود قدرت شفا دادن داشت، اما همیشه از آن استفاده نمی‌کرد. معجزه شفا هیچگاه برای آسایش و رفاه شخصی به کار گرفته نمی‌شد، بلکه به عنوان شهادتی برای یهودیان بی‌ایمان به حقیقت انجیل.

21:4 تیموتائوس باید سعی می‌نمود تا قبل از زمستان که وضعیت آب و هوا سفر را مشکل می‌ساخت بیاید. دوست زندانی او در روم به حضور او نیاز داشت و منتظر او بود. تکرار درخواست از تیموتائوس برای آمدن بسیار رقت‌انگیز است. (مراجعه نمایید به 1:3 و 4:4؛ 9)

سپس می‌خوانیم که افبولس، پودیس و لینس و کلادیه و همه برادران به تیموتائوس سلام می‌رسانند. به نظر این اسامی چندان حائز اهمیت نیستند، اما یادآور این موضوع است که همانگونه راجزر (Rodgers) می‌گوید، «یکی از امتیازات و شادی‌های خاص خدمت مسیحی این است که در آن دوستی‌ها شکل می‌گیرد و رشد می‌یابد.»

22:4 و اکنون پولس رساله خود را به پایان می‌رساند. او به خود شخص تیموتائوس می‌گوید، «عیسی مسیح خداوند با روح تو باد» سپس، پولس خطاب به تیموتائوس و تمام کسانی که در آن هنگام که او این نامه را می‌خواند می‌گوید: «فیض بر شما باد. آمین».

او در اینجا قلم خود را پایین می‌گذارد. نامه به پایان رسید. خدمت او به پایان رسید. اما عطر زندگی و شهادت او هنوز هم با ما است، و ما او را بار دیگر خواهیم دید و درباره مفاهیم عمیق انجیل و کلیسا با او سخن خواهیم گفت.